

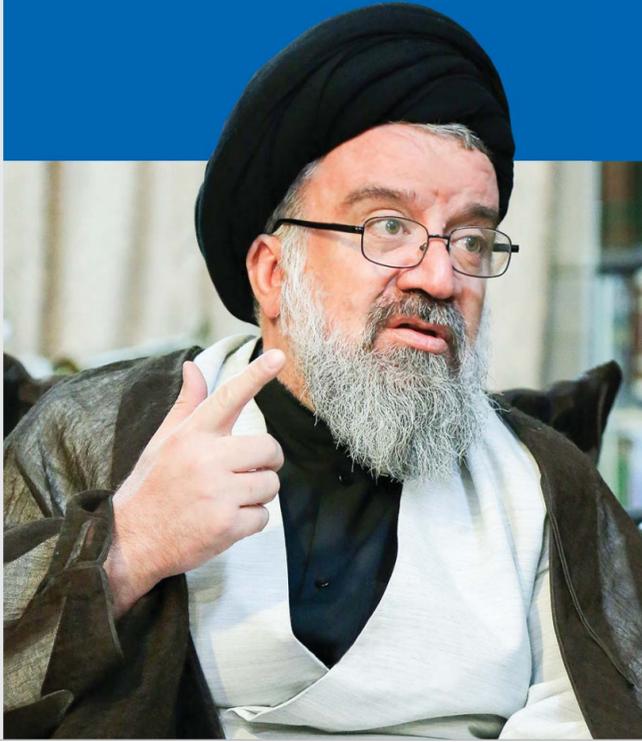


سالروز شهادت
احیاگر مذهب تشیع
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
تسلیمت باد

عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری

جایی برای مذاکره با آمریکا وجود ندارد

ای کسانی‌که به دنبال مذاکره هستید: آیا در طول این سال‌ها چیزی از جنایت‌ها و شیظنت‌های آمریکای جنایتکار کم شده است؟! آیا بهتر نیست در برابر شیطان بزرگ، همان مبنا و ملاک امام که راه مقاومت و ایستادگی است را ادا ما بدمیم؟!



آیت‌الله مدرس در پیامی به همایش نهضت عاشورا در اندیشه امام خمینی علیه السلام

نهضت امام راحل جایگاه مرجعیت دینی را در نفی سلطه مستکبران نشان داد

در گفت‌وگو با مدیر انتشارات انصارین بررسی شد

خاطرات خواندنی و ناگفته‌هایی از آیت‌الله امینی علیه السلام

خاطرات و کارهای فرهنگی و دینی آیت‌الله امینی به‌خصوص قبل از انقلاب و بعد از آن بسیار زیاد است که خودشان در جزوه‌ها، مجلات و مصاحبه‌ها نوشتند و نقل فرمودند؛ به‌ویژه در کتاب خاطراتشان که توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» چاپ و نشر شده است.

آیت‌الله سیدمحمد غروی

امام راحل علیه السلام به معنای واقعی کلمه معجزه قرن بود



امام راحل به معنای واقعی کلمه معجزه قرن بود. ایشان آدم‌ها را می‌ساخت، در دیگران تحول معنوی ایجاد می‌کرد. تنها رهبر سیاسی نبود، بلکه نقش سازندگی داشت.

آیت‌الله سیدمحمد غروی، ۱۳ خرداد در گفت‌وگو با خبرنگاری حوزه، با اشاره به سالگرد ارتحال امام راحل و نیز سالروز ۱۵ خرداد، گفت: امام راحل مؤسس انقلاب و نظام اسلامی است و اگر شخصیت خاص‌شان نبود، انقلاب حادث و پیروز نمی‌شد و بعد از پیروزی انقلاب هم نظام ثبات پیدا نمی‌کرد.

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه افزود: ایشان مرجع بزرگی بودند که جایگاه‌شان مورد وفاق همه است و دارای جامعیتی فقهی، اخلاقی و عرفانی و شاگردان خوبی بودند و اگر مدت‌ها این شاگردان همراه‌شان بودند، به‌دلیل جایگاه خاص علمی و عرفانی ایشان است. وی عنوان کرد: اگرچه نقش دیگران در پیروزی انقلاب اسلامی مشهود است؛ اما نقش کلیدی از آن امام راحل است؛ به‌طوری‌که اگر ایشان نبود، انقلابی به وجود نمی‌آمد و اگر ایجاد می‌شد تنها برای اصلاحات بود نه پیروزی.

آیت‌الله غروی گفت: ایشان انجام عمل را وظیفه می‌دانست و ولایت فقیه را به نحوی تئوریزه کرد که بتوان براساس آن حکومت کرد؛ مسئله ولایت فقیه هم امر تازه‌ای در بین فقهای شیعه نبوده بلکه امر مسلم و قطعی است و همه فقهای شیعه قبول داشته‌اند و اگر اختلافی هم در مواردی بود، حداقلی است.

این استاد حوزه اظهار داشت: در این بین هم، گروه و گروهک‌هایی بوده‌اند که هدف‌شان اختلاف و از بین بردن انقلاب است؛ اما انقلاب امام راحل از همه این طوفان‌ها به سلامت عبور کرد.

آیت‌الله غروی گفت: امام راحل به معنای واقعی کلمه معجزه قرن می‌باشد؛ ایشان آدم‌ها را می‌ساخت، در دیگران تحول معنوی ایجاد می‌کرد و تنها رهبر سیاسی نبود؛ بلکه نقش سازندگی داشت.

معرفی شده و این مکتب، به مردم به‌یاد می‌دهد و رأی مردم را تشریفاتی نمی‌داند.

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه کشور، با بیان این‌که پیشتر دو تریبر جهان حکومت می‌کرد، ادامه داد: تریبرال قلم و روزنامه‌ها باید تبیین کنند. سوم با نام مردم‌سالاری دینی را مطرح کردند؛ مکتبی که به مردم در چارچوب دین به‌یاد می‌دهد و باید زنده بماند. مکتبی که نفرت از استکبار در آن نهادینه است و در قرآن از کلمه «واجبتینو الطاغوت» استفاده شده که به معنای مرگ بر آمریکا و اسرائیل است.

وی عنوان کرد: این مکتب را صداوسیما و فضای مجازی، صاحبان قلم و روزنامه‌ها باید تبیین کنند. آیت‌الله خاتمی درباره تأثیر انقلاب بر دیگر انقلاب‌های جهان که تا امروز جریان دارد، گفت: جنس این انقلاب، متفاوت از نهضت‌های انقلابی در دیگر کشورهای دنیاست.

جنس این انقلاب از جنس انقلاب سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است؛ لذا ارسال که محرم فرا می‌رسد، عالم از شور امام حسین علیه السلام هم‌چنان غرق در هیجان می‌شود. در فدائاری سالار شهیدان انگیزه الهی دیده می‌شود و امام راحل با همان انگیزه به صحنه آمد و تا قیامت شور حسینی باقی است. امام جمعه موقت تهران در پاسخ به این‌که چرا بعضی از مسئولان کشور از آرا و اندیشه‌های امام علیه السلام فاصله گرفتند، عنوان کرد: به‌عنوان یک معروف باید پاسدار مکتب امام علیه السلام باشیم و فاصله گرفتن را یک منکر بدانیم و امر به معروف و نهی از منکر را باید زنده بداریم.

وی افزود: در هر جا و هر جریانی که شاهد منکر «فاصله گرفتن از آرای امام» بودیم، همه باید نهی از منکر کنیم و با احساس مسئولیت اجازه ندهیم، مکتب با نشاط و پرچوش و خروش امام علیه السلام کم‌رنگ شود.

عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری

جایی برای مذاکره با آمریکا وجود ندارد

احمق آمریکا ایران را تهدید کرد، خوب می‌دانست که اگر بزنند، بی‌دینک مواضع آنان را خواهیم زد که به‌حمدالله آخرین نفتکش ما هم به این کشور رسید.

عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری اظهار کرد: ای کسانی‌که به دنبال مذاکره هستید؛ آیا در طول این سال‌ها چیزی از جنایت‌ها و شیظنت‌های آمریکای جنایتکار کم شده است؟! آیا بهتر نیست در برابر شیطان بزرگ، همان مبنا و ملاک امام که راه مقاومت و ایستادگی است را ادا ما بدمیم؟! امام جمعه موقت تهران تصریح کرد: مطابق با مبنا، ملاک، معیار و خط امام، جای مذاکره با آمریکا وجود ندارد و کسی که دم از مذاکره بزند ضد خط امام و خط ولایت است.

آیت‌الله خاتمی در بخش پایانی سخنان خود به ویژگی‌های پنج‌گانه انبیا الهی اشاره کرد و گفت: «هدایت مردم و پرهیز از دنیاطلبی»، «اخلاص در عمل و گفتار»، «شجاعت و بردباری»، «صبوری و مقاومت»، «استکبارستیزی و عدالت‌محوری» از ویژگی‌های مهم انبیا الهی است که برای رشد و تعالی بشری از سوی خداوند متعال مبعوث شدند.

• **امام مردم‌سالاری دینی را مطرح کردند**

مکتبی که در چارچوب دین به مردم به‌یاد می‌دهد، باید زنده بماند. مکتبی که نفرت از استکبار در آن نهادینه است و در قرآن از کلمه «واجبتینو الطاغوت» استفاده شده که به معنای مرگ بر آمریکا و اسرائیل است.

به گزارش خبرنگاری حوزه از تهران، آیت‌الله سیداحمد خاتمی، ۱۲ خرداد در رادیو گفت‌وگو، درباره تأثیر اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام در پرتو

امام‌جمعه موقت تهران گفت: مطابق با مبنا، معیار و خط امام، جای مذاکره با آمریکا وجود ندارد و کسی که دم از مذاکره بزند ضد خط امام و خط ولایت است.

به گزارش خبرنگاری حوزه، آیت‌الله سیداحمد خاتمی، ۱۳ خرداد در مراسم بزرگداشت سی‌ویکمین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام و قیام ۱۵ خرداد که با حضور نمایندگان بیوت مراجع عظام و اساتید و طلاب حوزه‌ها و مدارس علمیه استان و جمعی از مقامات نظامی و انتظامی در مدرسه فیضیه قم برگزار شد، به شباهت‌های تمام انبیا الهی اشاره کرد و افزود: نفرت و مبارزه با استکبار، ویژگی مشترک همه انبیا الهی بود و امام خمینی علیه السلام هم از انبیا بهره گرفته است و این ویژگی‌ها تا به امروز هم ادامه دارد؛ چراکه کلمه «لا اله الا الله» خط استکبارستیزی ماست.

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه با اشاره به این‌که دروغ رسم ترامپ است، تصریح کرد: تجربه این سالیان طولانی به‌ویژه این چند سال، صریحاً به ما گفت که آمریکا فقط زبان زور، قدرت و مقاومت را می‌فهمد و پس؛ وقتی این وحشی‌های تروریسم، شهید بزرگوار و والا مقام ما حاج قاسم عزیز را با آن وضع به شهادت رساندند، ما به فضل خدا پایگاه نظامی عین‌الاسد را زدیم و نابودشان کردیم.

آیت‌الله خاتمی تأکید کرد: حرکت نفتکش‌های ایرانی با وجود همه تهدیدات و لفاظی‌های سردمداران آمریکای جنایتکار به سمت ونزوئلا در حالی‌که هم ما و هم ونزوئلا در تحریم بودیم، بسیار غرورآفرین و شجاعانه بود؛ هنگامی که وزیر خارجه

فراخوان اولین دوره مجازی تربیت پژوهشگر

حلقه‌های پژوهشی متناسب با سطوح و امتیازات علمی افراد تعیین می‌شوند.

وی مهلت ثبت‌نام در این دوره را تا پایان تیر سال جاری اعلام کرد و اظهار داشت: علاقه‌مندان جهت ثبت‌نام در این دوره، فرم مربوطه را تکمیل کرده و به همراه تصویر آخرین مدرک تحصیلی یا گواهی اشتغال و تصویر کارت ملی به نشانی: ourpajohesh@jz.ac.ir ارسال کنند. لازم به ذکر است، علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۲۳۴۲۲۱۱ تماس بگیرند.

گواهی شرکت در کارگاه‌های پژوهشی معاونت پژوهش است، افزود: طلاب و اساتید، مجاز به شرکت در دوره‌های همسو با رشته تحصیلی خود هستند و در موارد خاص منوط به تأییدیه کمیسیون است.

معاون پژوهش جامعه الزهرا علیه السلام بیان داشت: دوره‌های مجازی پژوهش شامل: تفسیر و علوم قرآن، فقه و اصول، تعلیم و تربیت اسلامی، فلسفه و کلام اسلامی، مطالعات زنان و خانواده و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی هستند. حقانی با اشاره به تشکیل حلقه‌های پژوهشی، گفت:

پژوهشگر اشاره کرد و گفت: اساتید و طلاب شاغل به تحصیل و فارغ‌التحصیلان سطح ۳ و ۴ جامعه الزهرا علیه السلام می‌توانند در این دوره شرکت کنند.

حقانی یادآور شد: طلاب شاغل به تحصیل و فارغ‌التحصیل سطح دو جامعه الزهرا علیه السلام در صورت داشتن ویژگی خاص و تأیید کمیسیون پذیرفته می‌شوند؛ هم‌چنین طلاب غیرجامعه الزهرا علیه السلام در صورت تأیید در کمیسیون پذیرفته می‌شوند.

وی با اشاره به این‌که اولویت پذیرش با دارندگان سه

معاون پژوهش جامعه الزهرا علیه السلام از فراخوان نخستین دوره مجازی تربیت پژوهشگر و ویژه اساتید و بانوان طلبه خبرداد. به گزارش خبرنگاری حوزه، ریحانه حقانی ۱۲ خرداد با اشاره به فراخوان ثبت‌نام در اولین دوره مجازی تربیت پژوهشگر، اظهار داشت: معاونت پژوهش جامعه الزهرا علیه السلام به منظور ظرفیت‌سازی، پرورش استعدادها و پژوهشی محققان و رشد و بالندگی آنان در عرصه پژوهشگری، نخستین دوره مجازی تربیت پژوهشگر را برگزار می‌کند. معاون پژوهش جامعه الزهرا علیه السلام به شرایط جذب تربیت



از دیگر آثار مبارک و عمیق رویکرد تحولی امام خمینی علیه خواندند و افزودند: سپردن کارهای بزرگ به جوانان و استفاده از آنان به‌عنوان ثروت و ذخیره ملی، روش روشن امام بود؛ البته آن بزرگوار در عین حال به افراد غیرجوان نیزبه‌عنوان ثروت ملی اعتماد می‌کردند که این واقعیت نیز در انتصابات ایشان مشهود است و اکنون نیزهم‌چنان که گفته‌ایم باید همین نگاه و روش مد نظر باشد. ایشان در تبیین دیگر نتایج بسیار مهم نگاه تحول‌خواه امام، ایستادگی و تحقیر ابرقدرت‌ها را مورد توجه قرار دادند و افزودند: زمانی کسی حتی تصور نمی‌کرد بشود روی حرف آمریکا حرف زد؛ اما امام خمینی علیه با ایجاد تحول در نگاه به ابرقدرت‌ها، آن‌ها را تحقیر و ثابت کرد که زورگویان جهانی ضربه‌پذیرند؛ البته این حقیقت در فروپاشی شوروی سابق و اوضاع امروز آمریکا مشهود است.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این‌که امام، «امام تحول» بود افزودند: مهم‌ترین نکته این است که امام که عامل اصلی این تحولات بود، به درستی همه آن‌ها را از خدا می‌دانست.

ایشان نکته مهم دیگر در روحیه تحول‌انگیز امام را نگاه ایشان به اهمیت تحول روحی و اعتقادی در جوانان دانستند و در جمع‌بندی این بخش از سخنانشان افزودند: درسی که ما از روحیه و حرکت تحولی امام می‌گیریم این است که باید حرکت تحول‌آفرین در همه بخش‌ها ادامه داشته باشد، اگرچه کشور و انقلاب در سی سال گذشته از رویکرد تحولی امام فاصله نگرفته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «پیشرفت‌ها و حرکت علمی کشور»، «توانمندی‌های دفاعی و رسیدن به نزدیکی مرز بازنرندگی» و «چهره قدرت‌مند جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی» را نمونه‌هایی از پیشرفت و حرکت تحولی در دوران بعداز امام برشمردند و خاطرنشان کردند: در این ۳۰ سال با وجود پیشرفت و تحول در عرصه‌های گوناگون، در برخی موارد در زیر ساخت‌ها تحول به‌وجود آمد؛ اما به فعلیت نرسید و در برخی موارد هم عقب‌گرد و پسرفت داشتیم که تأسف بار و غیرقابل قبول است.

ایشان، نقطه مقابل انقلاب را که طبیعت آن «نواوری، تحول، پیشرفت و جهش» است، «ارتجاع» خواندند و افزودند: پیشرفت و با پسرft انقلاب‌ها بستگی به اراده انسان‌ها دارد؛ زیرا اگر انسان‌ها در مسیر درست حرکت نکنند، خداوند نعمت خود را از آن‌ها خواهد گرفت، بنابراین باید به‌شدت مراقب بود که دچار چنین وضعیتی نشویم.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این‌که «ما قادر هستیم در بخش‌های مختلف تمدنی کشور و نظام، تحول ایجاد کنیم و از بنده، جوانان، نخبگان و مردم انتظار است به فکرایجاد تحول در بخش‌های مختلف باشیم»، به برخی الزامات ایجاد تحول اشاره کردند.

برخی الزامات ایجاد تحول در مقوله «عدالت» افزودند: تحول باید مبتنی بر یک اندیشه متفن و شکل‌یافته باشد؛ هم‌چنان‌که هر حرکت تحولی امام، مبتنی بر «قانع نبودن به داشته‌ها و داشتن روحیه تحول‌خواهی و پیشرفت مستمر و افزودن در داشته‌ها» اولین نکته‌ای بود که رهبر انقلاب به آن اشاره کردند و گفتند: تحول‌خواهی لزوماً به معنای اعتراض نیست و یا نباید حتماً بعداز شکست به فکر تحول افتاد بلکه تحول یعنی میل مستمر به شتاب و سرعت گرفتن در حرکت و اجتناب از تحجر و پافشاری بر مشهورات غلط.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تحول صحیح را نیازمند پشتوانه فکری دانستند و با تأکید بر لزوم تحول در مقوله «عدالت» افزودند: تحول باید مبتنی بر یک اندیشه متفن و شکل‌یافته باشد؛ هم‌چنان‌که هر حرکت تحولی امام، مبتنی بر مبانی معرفتی اسلام بود؛ زیرا اگر چنین پشتوانه فکری وجود نداشته نباشد، تحول غلط خواهد بود و ثبات قدم وجود نخواهد داشت.

ایشان در همین خصوص به برخی افراد انقلابی و علاقه‌مند در اوایل انقلاب اشاره کردند و گفتند: این افراد چون پایه‌های فکری و ایمانی مستحکم، متین و پشتوانه‌های عقلانی محکم گذاشتند، بعداز گذر از دوران جوانی و مراحل مختلف زندگی، به همان فسیل‌هایی تبدیل شدند که انقلاب برای مقابله با آن فسیل‌های کج‌روح به‌وجود آمده بود.

ایشان با تأکید بر این‌که تحول را نباید با «استحاله فکری» اشتباه گرفت،



امام خامنه‌ای در سخنان تلویزیونی به‌مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی علیه

درس امام برای امروز، استمرار تحول است؛

انقلاب نباید دچار ارتجاع شود

رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۴ خرداد در سخنرانی زنده تلویزیونی به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی علیه

«تحول خواهی، تحول‌انگیزی و تحول‌آفرینی» را از مهم‌ترین خصوصیات امام راحل عظیم‌الشان خواندند و تأکید کردند:

برای زنده ماندن انقلاب، باید با درس‌آموزی از این ویژگی نرم‌افزاری و عملیاتی امام، رویکرد تحولی و گرایش پرشتاب به «بهتر شدن و حرکت جهشی» را در همه زمینه‌ها به‌خصوص در زمینه‌هایی که بی‌تحرفی یا عقب‌گرد داشته‌ایم با جدیت دنبال کنیم.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به روحیه تحول‌خواهی امام از دوران جوانی، افزودند: امام به روش پیامبران سرشت نهفته و غریز معنوی انسان‌ها را بیدار می‌کرد که این ویژگی ده‌ها سال قبل از آغاز نهضت اسلامی نیز در رس اخلاق منقلب‌کننده ایشان در حوزه علمیه قم مشهود بود.

ایشان، امام خمینی علیه را «امام تحول» نامیداند و افزودند: امام از دوران مبارزات تا پایان حیات مبارک‌شان در میدان عمل نیز در نقش یک فرمانده بی‌نظیر، روئند تحول‌خواهی را رهبری و اقبانوس عظیم ملت ایران را در مسیر تحقق اهداف طوفانی و متلاطم می‌کرد.

رهبرانقلاب اسلامی در تبیین تحولات ایجاد شده در پرتو روحیه تحول‌آفرینی امام، به «تبدیل روحیه خمودگی و تسلیم ملت ایران به روحیه‌ای مطالبه‌گر» اشاره کردند و افزودند: امام عظیم‌الشان، ملت ایران را از ملتی بی‌تحرك که فقط به فکر زندگی شخصی خود بود، به ملتی مطالبه‌گر و حاضر در میدان تغییر داد که این ویژگی از آغاز نهضت در سال ۲۱ و پس از آن ۱۵ خرداد ۴۲ تا مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب و سال‌های بعداز آن، نمایان و مشهود است.

ایجاد تحول در نگاه حقارت‌پندارانه ملت در برابر «قدرت‌های خارجی و

حجت‌الاسلام‌والمسلمین میرمعزی ارائه کرد

گزارشی از نشست شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با مدیر حوزه‌های علمیه

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه گفت: ستاد حوزوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در طول یک سال و نیم فعالیت، با مشارکت حدود ۱۴ پژوهشگاه و مرکز پژوهشی و ۹ انجمن علمی و بیش از ۲۵۰ اندیشمند و صاحب‌نظر حوزوی در رشته‌های مختلف مرتبط با سند، به نقد و بررسی سند الگو پرداخت و پیشنهادات را برای ارتقا و تکمیل سند جمع‌آوری کرد و مجموع نقدها و پیشنهادات را در یک جلد جمع‌بندی و به‌همراه ۹ جلد مستندات خدمت مدیر حوزه‌های علمیه تقدیم کرد.

حجت‌الاسلام و‌المسلمین سیدحسین میرمعزی در گفت‌وگو با خبرنگاری حوزه، در مورد حضور آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه در نشست شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که ۱۰ خرداد در تهران برگزار شد، عنوان کرد: پس از فراخوان مقام معظم رهبری برای تکمیل و ارتقای سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مهرماه سال ۹۷ و مطالبه ایشان از دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه در مورد بررسی عمیق سند و ارائه پیشنهاد برای ارتقای آن، به دستور مدیر حوزه‌های علمیه آیت‌الله اعرافی ستادی با سه مأموریت؛ "تبیین سند الگو، گفتمان‌سازی سند در سطح طلاب و اساتید و بررسی و نقد آن توسط صاحب‌نظران حوزوی و ارائه پیشنهاد برای ارتقای سند"، در مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت تشکیل شد.

وی افزود: این ستاد در طول یک سال و نیم فعالیت با مشارکت حدود ۱۴ پژوهشگاه و مرکز پژوهشی و ۹ انجمن علمی و بیش از ۲۵۰ اندیشمند و صاحب‌نظر حوزوی در رشته‌های مختلف مرتبط با سند، به نقد و بررسی این سند پرداخت و پیشنهادات را برای ارتقا و تکمیل سند جمع‌آوری کرد و مجموع نقدها و پیشنهادات را در یک جلد جمع‌بندی و به همراه ۹ جلد مستندات خدمت مدیر حوزه‌های علمیه تقدیم کرد. این مجموعه در اسفند سال ۹۸ توسط مدیر حوزه‌های علمیه برای مقام معظم رهبری ارسال شد. ایشان پس‌از مطالعه این دستاورد ستاد در ۲۷ اردیبهشت سال جاری دو مطلب مرقوم فرمودند که توسط حجت‌الاسلام و‌المسلمین

حتی مسئولان دون پایه رژیم پهلوی به ملتی دارای اعتماد به نفس و عزت ملی و مؤثر در سرنوشت کشور» دومین نکته‌ای بود که رهبر انقلاب در تبیین نتایج روحیه تحول‌خواهی امام خمینی علیه به آن پرداختند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «تحول در مطالیبات اساسی مردم از خواسته‌های بسیار محدود به مطالباتی هم‌چون استقلال و آزادی» و «تحول در نگاه مردم به دین از یک چارچوب عادی و فردی به یک مکتب نظام‌ساز و تمدن‌ساز» را از دیگر آثار تعیین‌کننده نگاه تحول‌خواه رهبر کبیر انقلاب اسلامی برشمردند.

ایشان در بیان نکته‌ای دیگر در همین زمینه افزودند: در شروع نهضت اسلامی هیچ افقی از آینده در ذهن ملت نبود؛ اما امام این نگاه بی‌اف را به نگاه کنونی ملت یعنی تشکیل امت اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی در افق آینده متحول کرد.

رهبر انقلاب «ایجاد تحول در مبانی معرفتی کاربردی و وارد کردن فقه در عرصه نظام‌سازی و اداره کشور» و نیز «پافشاری بر تبعید و معنویت در عین نگاه نوگرایانه به مسائل» را دو نتیجه بارز نگاه تحول‌انگیز امام راحل برشمردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «تحول اساسی در نگاه به جوانان و نسل جوان» را

گزارشی از نشست شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با مدیر حوزه‌های علمیه

کمک به مرکز و طرح‌های تحولی بسیار گسترده و مهمی که در سال‌های اخیر طراحی و اجرا شده: از قبیل درختواره رشته‌های علمی حوزه‌ها، نظام کاروریه‌های روحانیت و… ارائه کرده و گفت: در حوزه‌های علمیه ظرفیت‌های خوبی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و با طرح‌های تحولی در دست اقدام این ظرفیت‌ها رو به تزاید چشم‌گیر است.

وی ادامه داد: هم‌چنین وی بیان داشت که در مدیریت جدید، این رویکرد وجود دارد که حوزه باید علاوه بر مطالبه‌گری، پاسخ‌گوی نیازهای نظام و جامعه نیز باشد؛ به‌همین منظور ما در لیبک‌گویی به مطالبه مقام معظم رهبری این ستاد را تشکیل دادیم و تلاش کردیم که ظرفیت‌های بسیار ارزشمند موجود در حوزه‌های علمیه را، در خدمت بررسی، ارتقا و تکمیل سند قرار دهیم.

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه خاطرنشان کرد: مدیر حوزه‌های علمیه برای ادامه راه پس از ابلاغ سند نیز آمادگی حوزه‌های علمیه و روحانیت را برای همکاری در راستای گفتمان‌سازی و نظریه‌پردازی و پایش و اجرای این سند اعلام کرد. حجت‌الاسلام و‌المسلمین میرمعزی با بیان این‌که پس از آیت‌الله اعرافی، بنده گزارشی تفصیلی در مورد فعالیت‌های ستاد ارائه کردم و در خاتمه سه پیشنهاد کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت ستاد را برای همکاری مطرح کرده و توضیح دادم که بسیار مورد استقبال قرار گرفته و تقریباً با همه پیشنهادات موافقت شد.

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه تأکید کرد: امیدواریم با مصوبات مطرح‌شده، حوزه‌های علمیه و روحانیت، بیش‌از پیش در مرحله تکمیل و ارتقای سند و نیز پس از ابلاغ سند در سال ۱۴۰۰، در جهت تولید نظریه‌های اسلامی، پشتیبان سند و نیز گفتمان‌سازی و پایش و اجرای سند مؤثر باشد و از این طریق، در ساخت تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه نقش و وظایف خود را انجام دهد.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای

محبان اهل بیت علیهم‌السلام بقیع را دوباره خواهند ساخت

افزودند: تحول باید رو به جلو باشد در حالی‌که مسایلی هم‌چون تجدد و غرب‌گرایی که در دوران پهلوی مطرح شد، سلب هویت دینی و ملی و تاریخی ملت ایران و به عبارتی «مرگ تمدنی» بود.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: در تحول، سرعت مهم است؛ اما این سرعت با شتاب‌زدگی و کارهای عجولانه سطحی متفاوت است؛ ضمن آن‌که در تحول باید یک دست هدایت‌گر مطمئن وجود داشته باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه به چند نمونه از مواردی که در کشور نیازمند تحول است، اشاره کردند و افزودند: در مسائل اقتصادی «قطع وابستگی اقتصاد از نفت و بودجه‌بندی عملیاتی»، در مسائل آموزشی «فایده‌محور و عمقی و کاربردی شدن دروس در مراکز آموزشی»، در مسائل اجتماعی «تأمین عدالت» و در مسایل خانواده و موضوع ریشه‌کنی اعتیاد و هم‌چنین جلوگیری از پیرشدن کشور، نیازمند حرکت‌های تحولی هستیم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شرط ایجاد تحول را «نترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها» برشمردند و افزودند: در مقابل هر اقدام مثبت و کار مهم، مخالفانی وجود دارد، مثلاً در فضای مجازی غالباً نوع مخالفت‌ها تیز و آزاردهنده است یا جبهه وسیعی از دشمن خارجی وجود دارد که با هر حرکت به صلاح کشور، مقابله می‌کند و امپراتوری تبلیغاتی وابسته به صهیونیست‌ها نیز آن را می‌کوبد، ولی در انجام یک کار حساب‌شده، نباید ملاحظه این مخالفت‌ها و دشمنی‌ها را کرد.

ایشان راه غلبه بر ترس از دشمنی‌ها را حضور نیروهای جوان، ترس و بدون ملاحظه در صحنه دانستند و گفتند: حضور نیروهای جوان یعنی استفاده از فکر، روحیه، جسارت و اقدام جوانان.

رهبر انقلاب اسلامی در بخش پایانی سخنانشان، آشفنگی جبهه دشمنان جمهوری اسلامی را نتیجه اعتماد ملت ایران به پروردگار خواندند و خاطرنشان کردند: یک بخش از جبهه دشمنان ایران، شوروی بود که با آن وضع فرو پاشید و بخش دیگر آن آمریکا است که امروز وضع آشفته آن را همه می‌بینند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حوادث جاری این روزهای آمریکا را بروز واقعیات پنهان نگه داشته شده آمریکا دانستند و گفتند: زانو زدن پلیس بر روی گردن یک سیاهپوست و فشار دادن آن تا جان باختن شخص و تماشای این صحنه از طرف چند پلیس دیگر، چیز جدیدی نیست؛ بلکه همان اخلاق و طبیعت حکومت آمریکا است که قبلاً نیز با بسیاری از کشورهای دنیا مثل افغانستان، عراق، سوریه و قیل از آن در وینام، همین کارها را کرده‌اند.

ایشان شعار امروز مردم آمریکا یعنی «نمی‌توانیم نفس بکشیم» را حرف دل همه ملت‌های تحت ظلم دانستند و افزودند: البته آمریکایی‌ها با رفتارهایشان در دنیا رسوا شده‌اند. آن از مدیریت ضعیف‌شان در کرنا که به علت فساد موجود در هیئت حاکمه آمریکا، تلفات و مبتلایان به بیماری در آمریکا چندین برابر کشورهای دیگر است و این هم از برخورد وقیحانه‌شان با مردم که آشکارا جنایت می‌کنند، عذرخواهی هم نمی‌کنند و بعد هم می‌گویند حقوق بشر، انکار آن مردم سیاهی که کشته شد، بشر نبود و حقوقی نداشت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به احساس خجالت و سرافکنندگی به‌جای ملت آمریکا از حکومت‌های خود و حکومت فعلی‌شان، افزودند: با این وضع پیش آمده، برخی از ایرانی‌های داخل یا خارج از کشور هم که شغل‌شان حمایت از آمریکا و بزگ آن بود، دیگر نمی‌توانند سر بلند کنند.

رهبر انقلاب اسلامی در پایان ابراز امیدواری کردند، خداوند حوادث عالم را به نفع ملت ایران و اقتدار روز افزون جمهوری اسلامی پیش ببرد و روح امام بزرگوار و شهید عزیز سلیمانی را با اولیاء خود محشور فرماید.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای

محبان اهل بیت علیهم‌السلام بقیع را دوباره خواهند ساخت



ظهور نمره آن را نوید خواهد داد.

پایان کار این گمراهان خون‌خوار نزدیک است و اسلام مبتنی بر عقلائیت و منکی به معارف قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام، اسلام وابسته به دلارهای آمریکایی را نابود خواهد کرد.

محبان اهل‌بیت علیهم‌السلام که روز هشتم شوال را به سوگ نشستند و خاطره آن را زنده نگه داشته‌اند، در راه مبارزه با اندیشه تکفیر، ثابت‌قدم و استوار حضور دارند و با پایان فساد و خونریزی بسیار آموخته‌اند و با پایان فساد و خونریزی ابلهان منحرف وهابی، بقیع را دوباره خواهند ساخت و

مضجع شریف ائمه هدی را به بهترین نحوه بازسازی خواهند کرد. ان‌شاء‌الله

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
محمد یزدی
رئیس شورای عالی
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

محبان اهل‌بیت علیهم‌السلام که روز هشتم

شوال را به سوگ نشستند و خاطره آن را زنده نگه داشته‌اند، در راه مبارزه با اندیشه تکفیر، ثابت‌قدم و استوار حضور دارند و با پایان فساد و خون‌ریزی ابلهان منحرف وهابی، بقیع را دوباره خواهند ساخت و مضجع شریف ائمه هدی را به بهترین نحوه بازسازی خواهند کرد.

به گزارش خبرنگاری حوزه، متن بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به‌مناسبت هشت شوال سال‌روز تخریب قبور مطهر ائمه بقیع علیهم‌السلام به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
هشتم شوال یادآور یکی از تلخ‌ترین و دردآورترین حادثه‌ها در جهان اسلام است که در آن، فرزندان شیطان و جاهلان شجره ملعونه وهابیت، آتش کینه خود را علیه پاک‌ترین و مقدس‌ترین سرزمین‌ها شعله‌ور کردند و قبور مطهر ائمه بقیع علیهم‌السلام را تخریب کردند. جاهلان متحجر و عقب‌مانده که با ادعای اسلام، افکار مسموم خود را منتشر می‌کنند و ذلیلانه و وحشت‌زده، از گفت‌وگویی عقلانی و مباحثه فرار می‌کنند.

آل‌سعود خبیث و تکفیری‌های داعشی در ادامه فرقه‌های جعلی ساخته سرویس‌های امنیتی استکبار برای تفرقه و اختلاف‌افکنی بین مسلمانان تجهیز می‌شوند و به قتل و کشتار مسلمین در جای‌جای جهان

تقدیر آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی از خدمات مدیر حوزه‌های علمیه



گزارش عملکرد مدیریت محترم در ایام بیماری کرونا واصل گردید و لازم دانستم از زحمات جناب‌عالی که از شخصیت‌های علمی و دارای مدیریت ممتاز می‌باشید و همکاران محترمان به‌ویژه طلاب محترم جهادی و هم‌چنین رییس و اعضای محترم شورای عالی حوزه‌های علمیه

که در این ایام زحمات فراوانی را متحمل گردیدند، تشکر نمایم. به گزارش خیرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله نوری همدانی ۱۳ خرداد در نامه‌ای از زحمات آیت‌الله اعرافی، طلاب جهادی و رییس و اعضای شورای عالی حوزه در ایام کرونا تقدیر کردند که متن این نامه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
حضرت مستطاب آیت‌الله اعرافی (دامت توفیقاته)
گزارش عملکرد مدیریت محترم در ایام بیماری کرونا واصل گردید.

لازم دانستم از زحمات جناب‌عالی که از شخصیت‌های علمی و دارای مدیریت ممتاز می‌باشید و همکاران محترمان به‌ویژه طلاب محترم جهادی و هم‌چنین رییس و اعضای محترم شورای عالی حوزه‌های علمیه که در این ایام زحمات فراوانی را متحمل گردیدند، تشکر نمایم. ارسال نامه‌هایی از سوی جنابعالی برای شخصیت‌های علمی و دینی ادیان بسیار لازم و مؤثر بوده است. امروز معرفی اسلام ناب که پاسخ‌گوی همه احتیاجات انسان‌ها در همه اعصار می‌باشد و نیز معرفی انقلاب اسلامی یکی از رسالت‌های حوزه‌های علمیه است.

زادکم الله عزاً و توفیقاً / حسین نوری همدانی

تجلیل از آیت‌الله محجوب جهرمی

عالم ربانی آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم محجوب جهرمی از اساتید حوزه علمیه و مصدومان حمله رژیم منحوس پهلوی به مدرسه فیضیه پس از عمری ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت (ع)، تربیت شاگردان و تألیف آثار ارزشمند علمی، بعد از یک دوره بیماری، ۸ خرداد در بیمارستان حضرت ولی عصر (عج) شهر مقدس قم درازانی را وداع گفت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرات آیات جوادی آملی و اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه با صدور پیام‌های جداگانه‌ای، درگذشت این عالم پرهیزگار را تسلیت گفتند.

امام خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم
درگذشت عالم پرهیزگار آیت‌الله آقای حاج شیخ ابوالقاسم محجوب (عج) را به خاندان مکرم، دوستان و شاگردان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند متعال علو درجات این عالم پارسا و پرهیزگار را مسألت می‌نمایم.

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

ارتحال عالم ربانی، جامع معقول و منقول، متعبد متعهد حضرت آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم محجوب شیرازی سانحه سنگین و توان‌فرسا بود. این هجران اسف‌بار را به عموم علاقه‌مندان آن حکیم، مخصوصاً شاگردان وی تسلیت، علو درجه آن فقیه رحیل و اجراض‌بران برای بیت مکرم ایشان از خدای سبحان مستلت می‌شود.

آیت‌الله‌اعرافی

ایشان با بهره‌مندی از محضر آیات عظام بروجردی (عج)، امام خمینی (عج)، اراکی (عج) و علامه طباطبایی (عج)، عمر پر برکت خویش را در راه تربیت نفوس مستعده، تألیف آثار ارزشمند علمی سپری نمودند. رحلت این عالم جلیل‌القدر را به پیش‌گاه مقدس حضرت ولی‌عصر (عج)، مراجع عظام تقلید (دامت برکاتهم) و مقام معظم رهبری (عج)، بازماندگان، شاگردان و بیت شریف ایشان تسلیت گفته و غفران و رحمت الهی را برای ایشان مسألت می‌نمایم.



نمونه ممتاز بندگی

نوشتاری از حضرت آیت‌الله صافی به مناسبت سال‌روز ارتحال آیه‌الله‌العظمی بروجردی (عج)

بسم الله الرحمن الرحيم

سیزدهم شوال، سال‌روز رحلت مرحوم استاد اعظم، حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی (عج) زعيم بزرگ شیعه است که در عصر خود، نمونه ممتاز و آسمانی از رجال ایمان، خدابستوی و خداخواهی و وجودش، سرشار از عقیده و توحید بود. آن فقیه عالی‌مقام، در اخلاق کریمه، بزرگی و بزرگواری به‌حق، یادگاری از جدّ بزرگوارش سبط اکبر (عج) بود.

بیم‌از خداوند

جهات عظمت شخصیت، در وجود ایشان جمع شده بود؛ بزرگ‌ترین آن‌ها بیم از خدا و حساب روز جزا بود؛ با تمام وجود، خدا را باور و به قیامت اعتقاد داشت.

دوری از دنیاطلبی

دنیاطلبی و ریاست‌خواهی در او دیده نمی‌شد. و در صداقت و راستگویی او شکی نبود و او خود می‌فرمود: «من یک قدم برای این مقام، یعنی مرجعیت و ریاست

به بزرگان گذشته و معاصر احترام می‌کرد.

اهتمام به مستحبات

در اظهار حق و ابطال باطل، مسامحه و مجامله نمی‌نمود و رعایت امور و حقوقی که رعایت آن‌ها از مستحبات و مکارم اخلاقی و آداب بود کمال اهتمام را داشت.

احترام به خادمان دین

هرکس قدمی در راه خدا برداشته بود و مصدر خدمتی به دین و مذهب شده بود، نزد او احترامی خاص داشت. یاد دارم زمانی به پدر بزرگوارم فرمود: «من یک شب هم شما را فراموش نمی‌کنم»

دفاع از مکتب

در امر ترویج دین و دفاع از حدود و ثغور اسلام و مذهب، آن‌چه را در توان داشت انجام می‌داد. غم و غصه‌ای اگر برایش بود، همان فکر و اندیشه مسائل اسلامی بود.

مقام والای علمی

در موقعیت علمی چنان بود که هر دانشمند و عالم و استادی به محضر او می‌رسید، شیفته او می‌شد.

تسلط بر آرای فرق و مذاهب

در مسائل علمی و اطلاع از آرای علمای مذاهب و فرق اسلامی، متبخرتر از خود آن‌ها بود، مثل این‌که کتاب «خلاف» شیخ، صفحه به صفحه‌اش پیش رویش حاضر باشد، سخن می‌گفت.

تسلط بر علم رجال

بر علم رجال و اسناد حدیث، تسلط و آگاهی خارق‌العاده داشت.

نمونه‌ای از احترام علمای فرق به ایشان

دانشمند معروف شیخ یاقوری وزیر اوقاف مصر، در اثربک ملاقات، چنان مجذوب او شد که همه تذکرات ایشان را به سمع اجابت شنید، و در ضمن نامه‌ای که از آنجا به عرض ایشان رساند، وعده انجام همه را داد و عبارتش نسبت به آن وعده‌ها این بود: «لا یتزأل یخْلِذُ فی کِیانی.»

مرحوم علامه شیخ محمدتقی قمی می‌گفت: آن‌گاه که نامه حضرت آقا را به شیخ مجید سلیم تسلیم می‌کردم، برمی‌خاست، می‌ایستاد، نامه را می‌گرفت و می‌بوسید، و نیز شیخ محمد شلتوت، صاحب آن فتوای تاریخی هم برمی‌خاست و به احترام می‌ایستاد، و نامه را دریافت می‌کرد.

بی‌شک در عصر ایشان، در بین همه علمای فرق، کسی اعلم از ایشان در فقه فرق نبود.

دفاع از حق بدون مجامله و تعارف

آن بزرگوار در حفظ حدود مکتب اهل‌بیت (عج) در برابر همین اشخاص که به او کمال احترام را اظهار می‌کردند از حق و موضعی تنازل نمی‌کرد؛ چنان‌که



وقتی شیخ شلتوت در تفسیری که می‌نوشت در تفسیر آیه (وَأَنْ تَشْكُرُوا بِالْأَلَامِ) سخن ناهنجاری گفته بود، در مقام ردّ براو، به این‌جانب امر فرمود: تا جواب کافی و شافی طی رساله «حول الاستقسام بالألزام» نگاشتم و برای او ارسال کردند.

مورد احترام دانشمند مسیحی

از سوی دیگر مثل جورج جرداق، دانشمند مسیحی؛ نویسنده کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة»، کتابش را طی نامه‌ای بسیار بلیغ و پرمحتوا به ایشان اهدا نمود.

سیزدهم شوال، سال‌روز رحلت چنین شخصی است که عظمت‌های وجودی‌اش همه افتخارآفرین بود و اسوه‌ای ستودنی برای علما و شیعیان.

نمونه‌تعبد تام

در تشیع و تعبد تام و التزام به احکام، عبادت، دعا، محاسبه نفس، توجه به خدا، استغفار و توبه و تعظیم شعائر و سنت‌ها، از جمله سوگواری و مراسم عزاداری حسینی (عج) و عاشورا، در همه مثل و نمونه بود.

باید این روز و این شخصیت و تاریخ حیاتش، همیشه زنده نگه داشته شود و برای همه سرمشق باشد.

سخن یکی از بزرگ‌ترین علمای مصر در ارتحال ایشان

و این مقاله را با سخن یکی از بزرگ‌ترین علمای مصر که در ارتحال ایشان نوشته بود به پایان می‌رسانم:
أَعَدَّقُ اللهُ عَلَيَّ جَدِّيهِ الطَّاهِرِ مَنْ سَحَابٍ رِضْوَانِهِ وَتَعَفُّهُ فَيُزْمِرُ جَدَّهُ الْأَعْظَمَ الَّذِي بَعَثَهُ اللهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ مَاتْتُ وَيَوْمَ بُعِثْتُ حَيًّا.

لطف‌الله صافی

و هم‌چنین توان بین‌المللی حوزه برای گفت‌وگو سازی استفاده کرد.

تقدیر از ورود فعال به مبحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر واعظ‌زاده، رئیس شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم با تشکر از ورود فعال و ارزشمند حوزه علمیه برای نقد و بررسی و ارائه پیشنهادها تکمیلی، اظهار کرد: ابتکار مدیریت حوزه‌های علمیه در تأسیس ستاد حوزوی ترویج و ارتقای سند الگو اقدام شایسته‌ای است که بستر بهره‌گیری از ظرفیت حوزه در کمک به تهیه و تدوین الگوراه فرام و مراکز حوزوی را به تعامل با مرکز تشویق کرد.

رئیس شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به بهره‌برداری از نظرات اساتید و پژوهشگران و موسسات پژوهشی حوزوی برای تکمیل و ارتقای الگو در یک‌سال و نیم گذشته اشاره کرد و نظرات ارائه شده از سوی مدیریت حوزه‌های علمیه را کام مؤثری در استفاده بیشتر و بهتر از ظرفیت حوزه‌های علمیه در تهیه نسخه نهایی الگو ذکر کرد.

وی ابراز امیدواری کرد، با استفاده از نظرات حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و نیز مراجع سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور به زودی نسخه نهایی الگوآماده و تقدیم رهبر معظم انقلاب شود.

مدیر حوزه‌های علمیه در شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بیش از ۳۰۰ مرکز و ۱۰۰ رشته حوزوی پای کار تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

حوزه تمام‌قد وارد میدان شد

مدیر حوزه‌های علمیه کشور با اعلام آمادگی برای همکاری با مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، افزود: حوزه علمیه با تمامی امکانات خود از جمله بیش از ۳۰۰ مرکز آموزشی و ۱۰۰ رشته تحصیلی و امکان تدوین تعداد قابل توجهی پایان‌نامه و پژوهش حوزوی، آماده همکاری در تدوین و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. وی در خصوص همکاری متقابل حوزه‌های علمیه با مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ادامه داد: همکاری متقابل با مرکز برای حوزه فرصت مناسبی است که در این مراودات توجه بیشتری به آینده داشته باشد.

مراجع عظام، بزرگان و فضلاء حوزه پای کار الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

آیت‌الله اعرافی اظهار کرد: حوزه علمیه برای تدوین نظرات پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مکاتبات متعددی با مراجع عظام، فضلاء حوزه و مراکز پژوهشی در قم و حوزه‌های علمیه سراسر کشور داشته و در کنار این مکاتبات و دریافت نظرات، بیش از ۲۵۰ شخصیت حقیقی حوزوی با انجام مصاحبه‌هایی

به گزارش خیرگزاری حوزه از تهران، یکصد و هشتاد و هشتمین جلسه شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با حضور آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کشور، به‌منظور بررسی پیشنهادها و نقدهای صاحب‌نظران و موسسات حوزوی در تکمیل و ارتقای سند الگو تشکیل شد.

تشکیل ستاد حوزوی «ترویج و ارتقای سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»

آیت‌الله اعرافی، ضمن تقدیر و تشکر از تلاش‌های بنیادین برای تهیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به فراخوان رهبر معظم انقلاب در خصوص مشارکت حوزه‌های علمیه در بررسی عمیق سند الگو و ارائه پیشنهادها مشخص برای ارتقای آن اشاره کرد و اظهار داشت: مدیریت حوزه در پاسخ به این فراخوان با تشکیل ستاد حوزوی «ترویج و ارتقای سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، جلسات منظم و متعددی تشکیل داد و نظرات فضلاء و اندیشمندان حوزه پیرامون الگورا دریافت و به صورت مجموعه واحدی تدوین کرد تا مورد استفاده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار گیرد.

بعد جهانی، گفت: در بخش جهانی واقعیت این است که دوگفتمان مسلط در دنیا شامل گفتمان کاپیتالیسم غرب و کمونیسم شرق، تنها گفتمان‌های حاکم بر دنیای قبل از انقلاب بودند و احساس ضرورت می‌شد، گفتمان سوم ایجاد شود. امام و نهضت امام، گفتمان جدیدی را آغاز کرد که نماد آن «الله‌اکبر» و «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مدنی به حرکت امام خمینی (عج) در بعد اعتقادی اشاره کرد و گفت: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، دین اسلام با آیین‌ها و دستورات حیات‌بخش از بخش‌های بسیاری از صحنه‌های اصلی زندگی خارج شده بود، به تعبیر سیدجمال‌الدین اسدآبادی قرآن‌های ما در قبرستان‌ها قرائت می‌شد و تنها وظایف فردی فعال بود. وی در پایان گفت: حضرت امام خمینی (عج) چهره اجتماعی، سیاسی و نقش‌آفرین اسلام را مطرح کردند و غربت اسلام را شکستند و این هم دستاورد دیگری از نهضت پرافتخار امام خمینی (عج) است.

مدیر جامعه‌الزهرای (عج) در ادامه با اشاره به حرکت امام خمینی (عج) در بعد منطقه‌ای، گفت: در بخش منطقه‌ای با تولد رژیم صهیونیستی در مکان قبیله اول مسلمانان و گسترش روز افزون آن و سلطه سیاسی، امنیتی و مالی در بسیاری از کشورها و به‌ویژه با مرعوبیت جهان عرب پس از جنگ شش‌روزه با اسرائیل، منطقه به سمت تسلط کامل و فراگیر صهیونیست‌ها پیش می‌رفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین مدنی اظهار داشت: انقلاب اسلامی ایران باعث تحول شد و نور امید را در قلب همه مردم منطقه و کشورها ایجاد کرد و مقابله با نهضت شوم صهیونیست‌ها جاری و ساری شد، ما امروز شاهدیم فقط حزب‌الله لبنان در مقابل ارتش قدرتمند رژیم صهیونیستی به‌صورت بسیار جدی مقاومت می‌کند؛ این افتخار بسیار برجسته و بلندی است که امروز نقش اسرائیل در منطقه روز به روز ضعیف‌تر و ناتوانی آن‌ها در مقابله با نهضت‌های مردمی آشکارتر می‌شود.

مدیر جامعه‌الزهرای (عج) با اشاره به قیام امام خمینی (عج) در

مدیر جامعه‌الزهرای (عج) مطرح کرد | تبیین میراث ماندگار امام خمینی (عج) در ابعاد مختلف |



تمامی معادلات دنیا هم به‌عنوان یک کشور قدرتمند حضور دارد.

سال‌های قبل از انقلاب لگدکوب تهاجم انگلستان و بعد آمریکا بود. تسلط مستشارهای نظامی و غیرنظامی در همه بخش‌ها آشکار و روشن بود و قله این سرکوب عزت و عظمت، تصویب مصونیت قضایی و حقوقی آمریکایی‌ها بود که موجب خروش حضرت امام خمینی (عج) شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین مدنی عنوان کرد: اقتصاد وابسته‌ای که کشاورزی نابود شد، صنعت مونتاژی که همه آینده بسیار نامناسبی را برای ایران نشان می‌دادند؛ در این شرایط، حضرت امام خمینی (عج) عزت ما را به ما برگرداند.

وی تأکید کرد: امروز هیچ تردیدی وجود ندارد که قدرت‌های بزرگ دنیا در تصمیم‌گیری برای ما هیچ نقشی ندارند و ملت ایران است که رییس‌جمهور و نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کند، آینده خود را رقم می‌زند و در

حجت‌الاسلام والمسلمین مدنی با اشاره به ایجاد گفتمان اسلام انقلابی توسط حضرت امام خمینی (عج)، قیام و حرکت ایشان را در چهار بعد ملی، منطقه‌ای، جهانی و عقیدتی تبیین کرد.

به گزارش خیرگزاری رسا، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مدنی، ۱۷ خرداد به بررسی حرکت امام خمینی (عج) در چهار بعد ملی، منطقه‌ای، جهانی و عقیدتی پرداخت و اظهار داشت: آن‌چه که شایسته است در این روزها به‌عنوان میراث ماندگار حضرت امام و به تبع آن، میراث ماندگار همه شهدا عطف توجهی به آن بشود، میراث امام در چهار بخش ملی، منطقه‌ای، جهانی و عقیدتی قابل توجه است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مدنی در بررسی حرکت امام خمینی (عج) در بعد ملی، گفت: کشور پرافتخار ایران در



آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

به مناسبت چهلمین روز ارتحال آیت‌الله امینی

آیت‌الله امینی محرم امام قزوینی و امین امت بودند

بسم الله الرحمن الرحيم

ارتحال عالم ربانی، حکیمی متألّه، متخلق به اخلاق الهی حضرت آیت‌الله حاج شیخ ابراهیم امینی اصفهانی رحمته را تعزیت و تسلیت عرض می‌کنیم. این سانحه سنگین و مصیبت دشوار برای جامعه علمی بسیار سخت و ثقیل بود. سرسختی این مصیبت سنگین و سانحه دشوار آن است که آیت‌الله امینی هم دارای ملکات فاضله فراوانی بود و به همان اندازه که عظیم بود، ناشناخته بود. برخی‌ها عظیم‌اند و به عظمت شناخته‌اند، بعضی‌ها به مقدار عظم‌تشان معروف‌اند؛ ولی آیت‌الله امینی عظیمی بود که نه تنها به مقدار عظمت او شناخته نشده بود به کمتر از آن هم شهرت نیافت. گرچه همگان او را می‌شناختند و همگان به او ارادت می‌ورزیدند، از علم او آگاه بودند، از عدل او مستحضر بودند، از حضور اجتماعی ایشان بی‌خبر نبودند، از حضور سیاسی او مطلع بودند و محرم امام و امین امت بودن را می‌دانستند؛ اما این‌ها شمه‌ای از فضایل آیت‌الله امینی است نه جنس اوست و نه فصل اوست، این

یک حد رسمی است نه حد حقیقی، تعریف رسمی است نه تعریف حقیقی. توضیح مطلب این است که ذات اقدس الهی خود را به اوصاف جمال و جلال می‌ستاید، بعد نگاه می‌کنیم می‌بینیم نموداری از آن جمال و جلال را در درجه اولی برای انبیا و اولیای ویژه و معصومین علیهم‌السلام بازگو می‌کند بعد صحابه و اصحاب ائمه و پیروان آن‌ها را هم برخوردار از آن جمال و جلال می‌داند تا روشن شود «ما بکم من نعمه فمن الله» همه این‌ها ظهور ذات اقدس الهی است. یکی از اوصاف برجسته ذات اقدس الهی این است که او جد است، لعب و لهو در کار او نیست؛ هم آن وصف ثبوتی و هم این وصف سلبی برای ذات اقدس الهی است «بالذات»، فرمود: ما اهل لهو نیستیم ما اهل بازی نیستیم. آن‌گاه مردان الهی را در دو بخش به همین وصف ثبوتی و سلبی می‌ستاید؛ مردان الهی را می‌گوید: این‌ها «رجال صدقوا ما عاهدوا الله» آن بخش ثبوتی آن‌ها، بخش سلبی آن‌ها را در سوره «مؤمنون» بیان می‌کند که مردان الهی مردان جد هستند و از لغو و لهب و لعب پرهیز می‌کنند «عن اللغو معرضون». این صفت سلبی را توسعه می‌دهند: می‌گویند مردان بزرگ و بزرگ‌مردان الهی نه اهل بازی‌اند و نه می‌شود آن‌ها را به بازی گرفت؛ هم «عن اللغو معرضون» هستند و اهل بازی نیستند و اهل لغو نیستند و اهل لهو و لعب نیستند، هم «رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله» نمی‌شود؛ آن‌ها را به بازی گرفت؛ یعنی اگر خدای سبحان در جمال و جلال جد است، مظاهری در مخلوقات او هستند که آن‌ها در جمال و جلال جد هستند، نه اهل بازی هستند و نه می‌شود آن‌ها را به بازی گرفت.

مرحوم آیت‌الله امینی در صف مقدم این‌گونه از وصف‌های جدی و پرهیز از لغو و لهو بود، هیچ‌وقت نمی‌شد او را به بازی گرفت چه این‌که خود ایشان اهل بازی نبود. قریب به یک قرن زندگی کردن لغو‌نااشتن، لهو‌نااشتن، بازی نداشتن؛ نه اهل بازی بود و نه می‌شد او را بازی گرفت، بسیار مرد جد عمیق، پخته، خردمند و اندیشه‌ورز بود. «هذا اوله».

و ثانیاً در بحث‌های علمی عمیق بود در جلسات علمی و خصوصی علامه طباطبایی رحمته صاحب‌نظر بود، سوآلات عمیقی می‌کرد، توقعات عمیقانه داشت. چند سال در محضر ایشان اسفار را با هم مباحثه می‌کردیم. تا مطلب دقیق و عمیق حکمت متعالیه برای او حل نمی‌شد، صرف‌نظر نمی‌کرد و نمی‌گذاشت. طرح خوبی داشت، احتمالات خوبی داشت، اشکالات خوبی داشت، پاسخ‌های خوبی می‌داد و اگر کسی از نزدیک این حکیم متألّه را بررسی نمی‌کرد و نمی‌دید و با او بحث نمی‌کرد، مقدار علمی ایشان برای او روشن نمی‌شد. بنده که سالیان متمادی اسفار را با ایشان مباحثه می‌کردم می‌دانم که چقدر عمق فکری داشتند. «هذا ثانیاً». اما مرحله سوم آن عظمت و جمال و جلال قهقی و فلسفی را در اختیار داشت؛ نه تنها سعی می‌کرد ظاهری به این علوم نکند، بلکه می‌کوشید آن‌ها را درجه‌بندی کند، حاصل و محصول آن‌ها را بررسی کند، درختی غرس کند به‌نام «فقه» و «فلسفه»، اولاً از این درخت میوه بچیند به‌نام حاصل درخت،

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در پی چهلمین روز ارتحال آیت‌الله امینی، عضو فقید جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پیامی صادر کردند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله جوادی آملی در پی چهلمین روز ارتحال آیت‌الله امینی، عضو فقید جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پیامی صادر کردند، متن پیام معظم‌له به این شرح است:

ثانیاً؛ این حاصل را شربت درست کند، ثالثاً؛ رقیق کند، رابعاً؛ به‌صورت تألیفات «سهل الوصول» قرار بدهد، خامساً؛ تا جوان‌ها استفاده کنند. شما کتاب‌های عمیق مصطلح فلسفی و قهقی را از ایشان به یاد ندارید اما آن‌ها حاصل درخت «فقه» است و ایشان محصول درخت «فقه» را محصول آن حاصل را به‌صورت نرم و رقیق و دقیق در تألیفاتی که برای جوان‌ها داشت و نوجوان‌ها داشت، یا در سخنرانی‌ها و خطبه‌های پربرکت نماز جمعه ایراد می‌فرمود، این محصول حاصل آن شجره سالیان زحمت کشیده حوزوی ایشان است.

درست است کتابی به حسب ظاهر ساده است، کتابی است که جوان و نوجوان می‌فهمند، یا خطبه و خطبه‌ای داشت که جوان و نوجوان می‌فهمند، ولی این از راه نرسید، این شربت و محصول آن میوه‌ای است که آن میوه حاصل شجره طویایی است که سالیان متمادی در درس آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمته و امام راحل علیه‌السلام، «فقه» و «اصول» شرکت کرد، در مشهد و در محضرو در مدرس علامه بی‌بدیل حضرت سیدنا الاستاد آقای طباطبایی رحمته چه در جلسات درس رسمی و عمومی و چه در جلسات خصوصی شرکت می‌کرد. این تثلیث را یعنی درخت بارآوردن را، درخت را به ثمررساندن را، میوه درخت را به‌صورت شربت درآوردن را مرحوم حکیم متألّه حاج شیخ ابراهیم امینی رحمته داشت. آن را نرم کرد، گاهی در خطبه گاهی در خطابه گاهی در بنان گاهی در بیان در اختیار این جوان‌ها و نوجوان‌ها و سالمندان قرار می‌داد.

بخش دیگری از فضایل و فوایل این رادمدر الهی این بود که او امین امام بود؛ چه در مسائل سیاسی چه در مسائل مالی. امین سیاست بودن، امین نظام بودن کار آسانی نیست؛ چون خود این بار سیاسی و بار اجتماعی این قدر سنگین است که هضم آن مشکل، نگهداری و نگهدانی آن آسان نیست. در مسائل مالی که گاهی به ایشان ارجاع می‌شد، در بعثه‌ها که در خدمت‌شان بودیم از طرف امام این سمت را داشت، مرحوم آیت‌الله غیوری بودند که مورد اعتماد این بزرگوار و امام راحل علیه‌السلام مرحوم آیت‌الله امینی بودند همه این‌ها را به محضر ایشان می‌آوردند، حفظ می‌کردند، امین به تمام «معنی الكلمة» بودند.

الان که ارتحال کردند در کنار مأذبه آن حکمت و مانده این معدلت نشسته‌اند «طوبی له و حسن ما ب»! این سانحه سنگین را به حوزه‌های علمیه و به مردان بزرگ و بزرگوار اصفهان و به شاگردان ایشان و به امت اسلامی و به رهبر محترم این نظام تعزیت عرض می‌کنیم و تسلیت عرض می‌کنیم و از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم روح ایشان را با انبیا و اولیای الهی محشور بفرماید و راه ایشان را پر رهرو قرار بدهد! بیت مکرم ایشان را مورد عنایت ویژه خود قرار بده! فرزند بزرگ و بزرگوار ایشان که بخش پایانی زندگی را در صحابت ایشان گذراندند و به‌عنوان پرستار ایشان بودند مورد لطف ویژه خود قرار بدهد! این ادعیه را در حق مؤمنین مستجاب بفرماید!

«غفرالله لنا ولکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پیامی به مجلس یازدهم

اعلام آمادگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بر ارتقای همکاری‌ها با مجلس شورای اسلامی

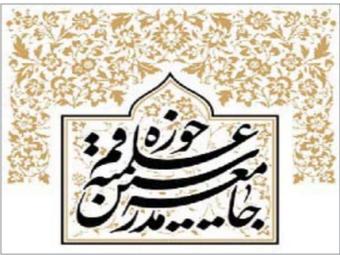
۷. موانع گسترش عدالت را رفع کنید و با فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی و ریل‌گذاری جهت تحقق عدالت اجتماعی و ثبات اقتصادی، معیشت مردم و اقتصاد خانواده‌ها را در اولویت قرار دهید.
۸. زیرساخت‌های لازم برای تأمین سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تربیت نسل جوان، افزایش باورری و پیشگیری از کاهش جمعیت، باید با جدیت فراهم شود. لازم است در تقنین، مشکلات پیش‌روی اجرای سیاست‌های جمعیتی کشور رفع شود و در حوزه نظارت، عملکرد مسئولانی که زمینه‌های لازم را فراهم نمی‌کنند، نقد شود.
۹. در تنظیم قوانین با نیت الهی و با درایت کارشناسانه جهت اصلاح نظام اداری و حذف قوانین معیوب اقدام کنید. با تنقیح قوانین می‌توانید برخی تبصره‌های قانونی و الزامات پربچ و خمی که قانون را در مرحله اجرا دچار پیچیدگی و ابهام می‌کند، رفع کنید. برخی کش‌وقوس‌ها و کاغذبازی‌های فرسایشی و در نتیجه فشل شدن کارها و حتی به بن‌بست رسیدن برخی طرح‌ها در اجرا، نتیجه قوانین معیوب و ضعیف است.
۱۰. تحقق بانکداری اسلامی و توجه به رهنمودهای مراجع عظام تقلید در اصلاح نظام پولی و مالی و اصلاح سیستم بانکداری را به‌عنوان یک ضرورت دنبال کنید.
۱۱. با توکل به خدا و اتخاذ تدابیر شجاعانه، استحکام داخلی و قدرت درونی نظام اسلامی را تقویت کنید و نگذارید، بگویم‌گوهای سیاسی، وحدت‌ملی را خدشه‌دار و تخاصم و درگیری ایجاد کند. به‌همین منظور لازم است نظارت بر عملکرد نمایندگان و تقویت تقوای جمعی در مجلس به‌جد مورد توجه قرار گیرد.

اسلامی چراغ راه شماسد و التزام عملی به این توصیه‌ها، شما را در خدمت به مردم و نظام اسلامی موفق و سربلند می‌کند.
۲. توصیه اکید داریم، به‌دوراز دسته‌بندی‌های سیاسی فقط به آرمان‌های فطری و انسانی انقلاب اسلامی توجه داشته باشید و در همه تصمیمات و بزنگاه‌ها بر اصول انقلاب ایستادگی و پافشاری کنید.

۳. لازم است در امر قانون‌گذاری، شرع مقدس و حدود الهی رعایت شود. رعایت ضوابط و حدود شرعی فلسفه ارسال پیامبران علیهم‌السلام و جان‌مایه آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

۴. در مسئله مبارزه با مفساد اقتصادی قدم‌هایی استوار بردارید و زخم‌های چرکین فساد را با دستنای پاک جراحی کنید. علاج دردهای بزرگ اقتصادی، معیشتی و مشکل‌گرانی در کارشناسی و عمل مخلصانه است.

۵. مجلس باید استقلال خود را حفظ کند و در تصمیم‌گیری و عمل به تکلیف شرعی خود، با مدنظر قرار دادن اهداف کلان نظام اسلامی، تصویب قوانینی جامع، کامل و گره‌گشا برای خدمت به اسلام و ارزش‌های انقلابی ملت را پیگیری کند.
۶. با تقویت نظارت بر عملکرد نهادهای متولی فرهنگ، برای رفع ولنگاری فرهنگی و بی‌اهتمامی به امر فرهنگ گام بردارید و برای ترویج معارف دینی و فرهنگ متعالی اسلامی، صریح و انقلابی تصمیم بگیرید. در این میان آسیب‌های اجتماعی هم‌چون اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینیی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به حجاب، فضای مجازی و مانند این‌ها نیازمند تدوین قوانینی پایدار و راهگشاست.



۱۲. با التزام به مبانی شرعی و اخلاقی در نطق‌ها و اظهارنظرها، آرامش سیاسی و اجتماعی را تأمین کنید و در انجام وظایف نمایندگی با شناخت تکلیف شرعی در مناسبات بین قوای، حق خدا، انقلاب و مردم را ادا کنید.

۱۳. جایگاه جهانی و اقتدار ملی ما حاصل خون شهدا و مجاهدت مردم مؤمن و مقاوم ماست. حفظ این جایگاه و عزت ملت ما در مواجهه‌های جهانی و دیپلماسی خارجی از اهم موضوعات است. مجلس به‌عنوان یکی از نهادهای تأمین‌کننده عزت ملی، باید در دشمن‌شناسی و ایستادگی در مقابل دشمن و توطئه‌های خارجی هوشیار و آگاه باشد.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم آمادگی خود را جهت کمک به مجلس شورای اسلامی و ایجاد بل ارتباطی بین حوزه‌های علمیه و قوه مقننه اعلام و بر ضرورت ارتقای همکاری‌ها تأکید می‌کند. خداوند شما برادران و خواهران عزیز را توفیق دهد و امیدواریم، با نصرت و هدایت الهی بتوانید در دوران نمایندگی، فرصت‌های بزرگی پیش روی ملت ایران قرار دهید و منشأ اثرات ماندگار باشید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

محمد یزدی / رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

انتشار مجموعه ۶ جلدی «ره، رهرو، رهبر»

در آستانه سالروز ارتحال امام خمینی رحمته، انتشارات انقلاب اسلامی مجموعه ۶ جلدی با عنوان «ره، رهرو، رهبر» مشتمل بر بیانات و مکتوبات آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای را در شش موضوع مختلف منتشر کرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، این مجموعه حاصل همان کتاب مرجع «ره، رهرو، رهبر» است که شامل بیانات و مکتوبات معظم‌له در این عرصه تا سال ۱۳۹۱ بود و به‌صورت سیر تاریخی و بدون دسته‌بندی موضوعی در سال ۱۳۹۴ منتشر شد. در واقع مجموعه ۶ جلدی فعلی، علاوه برآن‌که مطالب موجود در کتاب مرجع «ره، رهرو، رهبر» را

دسته‌بندی و به‌صورت مجزا ارائه کرده، مطالب آن نیز به‌میزان ۶ سال به‌روزرسانی شده است.

لازم به ذکر است که «دروس و وصایای امام خمینی رحمته، موانع»، «انحرافات و دشمنی‌ها با امام و خط امام»، «خدمات، برکات و آثار وجودی امام خمینی رحمته»، «امام خمینی رحمته و انقلاب اسلامی»، «خط امام» و «شخصیت امام خمینی رحمته» عناوین این مجموعه شش جلدی می‌باشند.

آیت‌الله‌اعرافی در بیانیه‌ای به مناسبت حوادث اخیر آمریکا

حوزه علمیه کنار معترضان به نژادپرستی در آمریکا ایستاده است

نهاده‌ا و بزرگان حوزه علمیه قم و حوزه‌های علمیه خطاب به معترضان به نژادپرستی اعلام می‌دارند که حوزه‌های علمیه صدای مظلومیت شما را شنیده و کنار شما ایستاده‌اند و دولت آمریکا باید سرکوب معترضان را متوقف و به اقدامات ظالمانه و تروریستی و آپارتایدی خود در آن کشور و سراسر جهان پایان دهد در غیراین صورت، با امواج طوفانی قیام و خروش مستضعفان و خشم فروخته آنان مواجه خواهد بود.



به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه طی بیانیه‌ای به حوادث اخیر آمریکا، واکنش نشان داد. متن کامل بیانیه وی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی یؤمن الخائفین، و ینجی الصالحین، و یرفع المستضعفین، و یضع المستکبرین، و یهلک ملوکاً و یتخلف آخرین.

بار دیگر در کشور مدعی تمدن و آزادی و حقوق بشر، غده چرکین نژادپرستی آمریکایی سرباز کرد و دست کتیف خود را به خون رنگین‌پوست دیگری آلوده ساخت. جامعه رنگین پوستان آمریکا که همواره در تاریخ نوین این کشور، سایه شوم تبعیض، تحقیر و ترور را بر سر خود دیده‌اند، این بار نمود آن را در جنایت تکان دهنده و فجیع پلیس ظالم آمریکایی در قتل یک انسان بی‌دفاع مشاهده کردند. بدون شک تصویر زانوی پلیس آمریکایی بر روی گردن شهروند رنگین‌پوست، برگ رنگین دیگری از تاریخ محرومیت اجتماعی و استثمار اقتصادی رنگین پوستان و نشان‌دهنده این واقعیت تلخ است که نظام به ظاهر لیبرال، اما در عمل فاشیستی آمریکا که بر پایه سلطه‌گری و بهره‌کشی از مظلومان بنا شده، مغرورانه سیاه‌پوستان را زیر پا می‌گذارد و فریادهای استمداطلبی آن‌ها را نادیده می‌گیرد.

البته همگان نیک می‌دانند که این جنایات گسترده، نظام‌مند و ساختاری نه از سر تصادف است و نه منحصر به امروز این کشور؛ بلکه نظام شیطانی و تروریست آمریکا، سال‌هاست که پای خود را بر گلوئی مظلومان عالم گذاشته و اجازه نفس کشیدن به آن‌ها نمی‌دهد.

اگر دیروز یک انسان به جرم سیاه‌پوست بودن در زیر فشار پلیس آمریکایی جان سپرد، انسان‌های مظلوم بسیاری هر روزه در یمن، فلسطین، سوریه، عراق و افغانستان توسط دولت جنایتکار آمریکا و تروریست‌های دست نشانده‌اش کشته می‌شوند.

مدیریت حوزه‌های علمیه ضمن هم‌دردی با جامعه رنگین‌پوستان شریف آمریکا، جنایت پلیس آمریکا در قتل وحشیانه این شهروند بی‌دفاع و ظلم و فساد و بی‌اخلاقی نظام‌مند دولت آمریکا را قویاً محکوم کرده و از آزادی خواهان و عدالت‌طلبان جهان، همراهی با مظلومان آمریکا و مقابله با ظالمان را مطالبه می‌کند.

نهاده‌ا و بزرگان حوزه علمیه قم و حوزه‌های علمیه خطاب به معترضان به نژادپرستی اعلام می‌دارند که حوزه‌های علمیه صدای مظلومیت شما را شنیده و کنار شما ایستاده‌اند و تأکید می‌نماید که دولت آمریکا باید سرکوب معترضان را متوقف و به رویکرد اقدامات ظالمانه و تروریستی و آپارتایدی خود در آن کشور و سراسر جهان پایان دهد؛ وگرنه با امواج طوفانی قیام و خروش مستضعفان آن کشور و سایر کشورهای استعمارزده و خشم فروخته آنان مواجه خواهد بود.

انتظار می‌رود که مجامع بین‌المللی از سکوت و بی‌تفاوتی خود دست بشویند و به یاری ستم‌دیدگان و مظلومان برخیزند.

امید است آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان بیش از پیش همبستگی و همراهی کامل خود را با محرومان و ستم‌دیدگان آن کشور به نمایش بگذارند و یادآوری می‌شود که نهایتاً مسئولیت تداوم این جنایات متوجه دولت آن کشور است.

برای دنیایی سرشار از عدالت، اخلاق، معنویت و عقلانیت دعا و تلاش می‌کنیم و دست همه عالمان، آزادی خواهان، اندیشمندان و فطرت‌های پاک را در این مسیر

می‌فشاریم .

والسلام علیکم

علی‌رضا اعرافی / مدیر حوزه‌های علمیه / ۱۲ خرداد ۱۳۹۹





در آموزه‌های وحیانی و تعالیم قرآن و عترت ﷺ، اعراض از نماز به شدت مذمت شده است. قرآن شریف در هنگام بیان گفت‌وگوی بهشتیان با اهل جهنم می‌فرماید: «فی جنات پتسانلون، عن المجرمین ما سلککم فی سقر، قالوا لم نک من المصلین و لم نک نطعم المسکین و کنا نخوض مع الخائضین»:(مدر/۴۵-۴۰). روز قیامت بهشتیان از گناهکاران سؤال می‌کنند، چه چیز شما را به جهنم کشانید؟ پاسخ می‌دهند: ما از نمازگزاران نبودیم و به مستمندان طعام نمی‌دادیم و با آنان که سخن باطل می‌گفتند، هم‌آواز می‌شدیم و با گناهکاران هم‌نشین بودیم.

از نظر قرآن و روایات، مسلمانی که نماز نخواند، روز قیامت با غیرمسلمانان محشور می‌شود و در صف کافران قرار می‌گیرد: «من ترک الصلاة متعمداً فقد کفر» (عوالی‌الثالثی/۲/۲۲۴)

کفر و شرک به سه دسته تقسیم می‌شود: «کفر اعتقادی»: مثل کسی که اصلاً خدا و معاد را قبول ندارد و یا منکر است. «کفر لفظی»: مانند این‌که نفساً خدا را قبول دارد، اما اقرار نمی‌کند، و قسم سوم «کفر عملی» است. «کفر عملی» بدین معناست که شخص خدا و معاد را قبول دارد و حتی نماز می‌خواند و در مشکلات به خداوند متوسل می‌شود، ولی در عمل، کم‌کاری می‌کند؛ چنین فردی در حقیقت، مشرک است.

در آیات بسیاری از قرآن کریم، به مصادیق کفر و شرک عملی پرداخته شده است، مثلاً قرآن شریف، اعمالی مانند بی‌اهمیتی به نماز، (روم/۳۱: ماعون/۴) ریا در عمل، (بقره/۲۴۶) ترک حج، (آل‌عمران/۹۷) نپرداختن زکات (فصلت/ ۷-۶) و… را کفر و شرک می‌داند؛ از این‌رو در روایات شریف اهل‌بیت علیهم‌السلام سفارش شده است که با ترک‌کننده نماز، معاشرت نکیند.

مرحوم کلینی رحمته‌الله در کتاب شریف کافی، از عبیدبن زراره روایت می‌کند که گفت: به خدمت امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! گناهان کبیره برای من بیان کنید»، امام علیه‌السلام فرمودند: «گناهان کبیره هفت‌تاست: کفر ورزیدن به خداوند، کشتن انسان‌های بی‌گناه، عاق والدین؛ یعنی موجبات ناخشنودی پدر و مادر را فراهم کردن، رباخواری، مال یتیم را به ناحق خوردن، از جبهه جنگ فرار کردن و تعرب بعد از هجرت؛ یعنی بازگشت به آیین پیشین بعد از تشراف به اسلام.» زراره می‌گوید: از امام علیه‌السلام پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! خوردن مال یتیم گناهش بیشتر است یا ترک نماز؟» حضرت فرمودند: «ترک نماز گناهش بیشتر است. نخستین گناه کفر ورزیدن به خداوند است که شامل ترک‌کننده نماز نیز می‌شود، زیرا کسی که عمداً نماز را ترک کند از کافران است.» (کافی/۲/ ۲۷۸)

بنابراین هرکس از نماز رویگردان باشد، در واقع از یاد و ذکر خدای تعالی رویگردان شده است. چنین کسی بنابر تعبیر قرآن شریف، در دنیا به یک زندگی همراه با عسرت و تنگی دچار می‌شود و در روز قیامت ناپینا محشور می‌گردد: «و من أعرض عن ذری فإن له عینشةً ضکاً و نحشرة یوم القیامة» یعنی قال رب لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیراً قال کذلک أتکت آیاتنا فنسیتها و کذلک الیوم تنسی!»: (طه/۱۲۶-۱۲۴) «و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را ناپینا محشور می‌کنیم. می‌گوید: پروردگارا، چرا مرا ناپینا محشور کردی با آن‌که بینا بودم؟ می‌فرماید: همان‌طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان‌گونه فراموش می‌شوی.»

اولین مصیبتی که در دنیا برای اشخاص بی‌نماز و یا کاهل نماز پیش می‌آید، این است که در زندگی عامی دچار مشکل و تنگنا می‌شوند و راهی برای حل مشکلات خود نمی‌یابند. یک زندگی همراه با غصه و ناراحتی به سراغ آنان می‌آید و زیر منگنه حوادث، له می‌شوند و راه گریزی نیز ندارند.

در برخی موارد افراد بی‌نماز از وضعیت مالی خوبی برخوردارند، اما فشار روحی، اجازه لذت از زندگی به آنان نمی‌دهد. زندگی برای چنین افرادی، مرگ تدریجی است و بعد از مرگ نیز، کور وارد صف محشر می‌شوند. شخص بی‌نماز وقتی محشور می‌شود و خود را ناپینا می‌یابد، می‌گوید: خدایا من در دنیا چشم داشتم، چرا اکنون کور هستم؟ از جانب حق تعالی خطاب می‌رسد: چون تو در دنیا خداوند و نماز و قرآن را فراموش کردی، اکنون نیز ما تو را فراموش کرده‌ایم. فراموشی خداوند یعنی کوری در قیامت و عذاب جهنم.

بینایی و روشنایی چشم در آخرت، به اعمال این دنیا بستگی دارد، بستگی به نماز اول وقت دارد. بستگی به ارتباط همه افراد خانواده با نماز، مسجد و روحانیت دارد. در غیر این‌صورت، زندگی پوچ می‌شود، وقتی انسان در دنیا، با خدای سبحان رابطه نداشته باشد، شیطان با او رابطه پیدا می‌کند و او را به دره تباهی پرتاب می‌کند.

غفلت جامعه اسلامی از نماز، یعنی شلوغ بودن بازارها و خیابان‌ها در وقت نماز، و بدبختی بالاتر در چنین جامعه‌ای، این است که سینماها و اماکن تفریحی، در وقت نماز پرجمعیت باشد. قرآن کریم چنین ملتی را مسلمان واقعی نمی‌داند؛ زیرا مسلمان در فرهنگ قرآن و عترت علیه‌السلام کسی است که در موقع نماز کاملاً متوجه نماز باشد و به هیچ امر دیگری غیر از نماز توجه نداشته باشد.

تهیه و تنظیم: علی‌اکبر بخشی

خاطرات خواندنی و ناگفته‌هایی از آیت‌الله امینی

به‌بهانه چهلمین روز ارتحال عالم مجاهد آیت‌الله ابراهیم امینی نایب‌رئیس اسبق مجلس خبرگان رهبری

عضو برجسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، خبزنگار شفقنا

در گفت‌وگویی با محمدتقی انصاریان خوانساری مدیر انتشارات انصاریان به‌عنوان ناشر آثار آیت‌الله امینی خاطراتی

قریب به ۶۰ سال آشنایی و رفاقت با ایشان را جویا شده که تقدیم خوانندگان محترم هفته‌نامه افق حوزه می‌شود.

ه آشنایی شما با آیت‌الله امینی به چه سالی برمی‌گردد؟ از دوران تحصیل ایشان خاطراتی دارید؟

● بنده آیت‌الله امینی را تقریباً از سال ۱۳۴۰ شمسی می‌شناسم؛ ایشان بعد از ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمته‌الله در دروس علامه طباطبایی مانند اسفار، فلسفه و تفسیرو بعد از تبعید امام خمینی، درس آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله محقق داماد می‌رفتنند و می‌گفتند: «قیلاً‌جلد اول از کفایه را خدمت آیت‌الله مرعشی نجفی و جلد دوم را خدمت آیت‌الله گلپایگانی خواندم» .

● **با توجه به این‌که ایشان اهل اصفهان می‌باشند، آیا از تحصیل ایشان در اصفهان مطلبی دارید؟**

● بله، درس‌های مقدماتی و سطوح آیت‌الله امینی رحمته‌الله در نجف‌آباد و اصفهان در مدارس صدر، صدر خواجو، جده بزرگ و دیگر مدارس بود.

به خاطر دارم می‌گفتند: «وقتی من در مدرسه جده بزرگ درس می‌خواندم، بسیار در عسر و حرج و مشکلات زندگی طلبگی را می‌گذراندم. شبی در عالم خواب دیدم، صحرای محشر است و جمعیت کثیری صف کشیده و ایستاده‌اند؛ صف‌هایی طولانی که سرو ته نداشت. من خودم را با زحمت به جلورساندم. صف اول را دیدم که تمام پیامبران و ائمه طاهرین علیهم‌السلام بودند. ملاحظه کردم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌س‌لم‌علیه‌وآله‌س‌لم در وسط آن‌هاست و خیلی مشخص و عالم سرآمد همه می‌باشند. من طوری ایستاده بودم که حضرت مرا دیدند و کانه اشاره کردند که جلوبروم. وقتی جلورفتم، دیدم که اوراقی را در دست داشتند و دائماً ورق می‌زدند و دودورقه را نشان دادند که روی آن‌ها تصاویر بسیار عجیب بهشت و جهنم نقش بسته بود. من آن‌ها را دیدم و بعد از دیدن آن‌ها و تحیر و تعجب، از شدت ناراحتی بیدار شدم؛ درحالی‌که خیس عرق بودم. از جا برخاستم و برای تجدید وضو نماز آماده شدم. از آن روز به بعد وضعیت علمی و مادی من به‌خوبی عوض شد و بعد مهاجرت به قم و ادامه درس و بحث در قم شروع شد.»

● **با توجه به دوران طولانی تحصیل و مهاجرت مرحوم آیت‌الله امینی رحمته‌الله به قم از اساتید خود صحبتی کرده‌بود؟**

● بله، آیت‌الله امینی از اساتید مهمی یاد می‌کردند که از همه مهم‌ترآیت‌الله آقا شیخ محمدحسن نجف‌آبادی و آیت‌الله سیدمحمدباقرابطحی بودند.

آیت‌الله امینی می‌گفتند: «اشیخ محمدحسن با این‌که خود مجتهدی بزرگ بود؛ اما برای طلاب دروس سطح می‌گفت و ابائی هم نداشت و در ضمن درس، آثانی‌که مواظب و مراقب گفتار، رفتار و کردارش بودند، آموزه‌های اخلاقی نیزفرمای می‌گرفتند. هنگامی که غیراز درس به وعظ، خطابه، سخنرانی، روضه خوانی و توسل به ساحت مقدس ائمه طاهرین سلام‌الله علیهم اجمعین می‌پرداخت، اکثر طلاب و بعضی اوقات علمای بزرگ و مدرسین عالی‌مقام آن‌روز حوزه علمیه اصفهان پای منبر او بودند و شرکت می‌کردند. مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا رحیم ارباب را بارها دیدم که ننشسته و گریه می‌کردند.»

● **آیا در طول این ایام داستان، نکته و توصیه‌ای خاص برایتان داشت؟**

● بله، بارها پیش آمده بود. داستان معروفش که انسان را به یاد مرگ و قیو و قیامت می‌انداخت، این است که می‌گفت: داستان ما مردم همانند قضیه‌ای است که نقل می‌کنم: صد‌ها گنجشگ روی درختی نشسته‌اند. صاحب آن درخت هر چه گفت: کبیش، کبیش، هیچ کدام توجهی نکردند؛ آخرالامر به سنگی، تیری یا وسیله‌ای متوسل شد تا گنجشگ‌ها را دور کند. آن وسیله به یکی از آن‌ها می‌خورد و از درخت به زمین می‌افتد. یقیه به همدیگری می‌گویند: همه به هم نگفتمیم؛ به ما کاری ندارد و کبیش با او بود و هرچه کبیش کرد، نرفت و آخرتیربه او خورد و افتاد.

آن شخص دوباره گفت کبیش، کبیش، باز توجه نشد و دوباره وسیله‌ای به سمت آن‌ها پرتاب کرد و به یکی دیگراز گنجشگ‌ها خورد و افتاد و باز همه به یکدیگرگفتند، نگفتمیم؛ با ما نیست و نظرش او بود که نرفت و تیربه او اصابت کرد و افتاد و مرد.

این کار ادامه داشت و گنجشگ‌ها به کبیش کبیش توجه نکردند و با تیر و سنگ، یکی یکی افتادند و مردند. به‌رحال داستان را تشبیه به انسان‌ها می‌کرد که وضع ما نسبت به مرگ این‌چنین است.

مرحوم آیت‌الله امینی درباره آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب رحمته‌الله می‌گفت: «من مختصری از دروس سطوح را نزد ایشان خواندم و چون نماز جمعه می‌خواند و من هم، چون دوست داشتم، در نماز جمعه ایشان شرکت می‌کردم.» گویا وقتی آیت‌الله امینی نماز جمعه قم را قبول کردند و چندین سال امام جمعه بودند و آن خدمات بسیار زیاد، ریشه در جوانی ایشان دارد و از آن وقت‌ها گرایش به خواندن نماز جمعه را داشتند.

● **یکی از آثار ارزشمند ایشان کتاب نفیس «دادگسترجهان» است. خاطره‌ای از آن زمان دارید؟**

● بله، زمانی که آیت‌الله امینی این کتاب ارزشمند را نوشتند و چاپ و منتشر شد، آشنایی من با ایشان بهتر و بیشتر و نزدیکتر شد. می‌گفتند: انگیزه نوشتن کتاب «دادگستر جهان» که اولین کتاب من بود، به جهت سننوالاتی است که افراد زیادی در جلسات راجع به امام زمان علیه‌السلام مطرح می‌کردند. کتاب «دادگستر جهان» داستانی هم دارد. جناب پروفسور ساشادینا از دانشمندان برجسته اسلامی و در آمریکا سکونت دارد و در دانشگاه‌های آن‌جا تدریس می‌کند و مدت‌ها هم در دانشگاه مشهد مقدس تدریس داشت. آشنایی حقیر (انصاریان) با آقای ساشادینا از وقتی شروع شد که ایشان کتاب «البیان» مرحوم آیت‌الله‌العظمی خوئی را به انگلیسی ترجمه کرده و در آمریکا چاپ کرد و من از او خواستم تا اجازه دهد و در ایران هم چاپ کنیم و الحمدالله چندین بار ما چاپ و توزیع کردیم. مدتی بعد در آمریکا کتابی درباره حضرت بقیة‌الله‌العظم علیه‌السلام نوشتند که به‌قول خودش، با وضع آکادمی آن‌جا و تر دانشگاهی ایشان و استاد راهنمایش که یک استاد یهودی بود، مناسب بود؛ اما با وضع امروز حوزه‌ها و محیط‌های علمی ایران و کشورهای شیعه نمی‌ساخت.

در نتیجه شیعیان آن‌جا و کشورهای دیگر و بعضی از علما او را طرد کردند و به‌ضرب‌جایگاه اجتماعی ایشان تمام شده و حتی به‌جایی رسیده بود که بعضی خواستند، وی را تکفیر کنند. در سفری او به قم آمد و با حقیر (انصاریان) مشورت کرد که با این وضع چه کنیم و چرا با ما این رفتارها را می‌کنند. من قصد و غرضم این‌چنین نبود. من هم با آیت‌الله امینی رحمته‌الله در میان گذاشتم و با ایشان خدمت یکی دو نفر از مراجع معطم تقلید رفتم تا نظرشان را نسبت به او عرض کنیم. بحمدالله ملاقات خوبی به‌عمل آمد و مسایل طرد و تکفیر

درگفت‌وگو با مدیر انتشارات انصاریان بررسی شد

خاطرات خواندنی و ناگفته‌هایی از آیت‌الله امینی

به‌بهانه چهلمین روز ارتحال عالم مجاهد آیت‌الله ابراهیم امینی نایب‌رئیس اسبق مجلس خبرگان رهبری

عضو برجسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، خبزنگار شفقنا

در گفت‌وگویی با محمدتقی انصاریان خوانساری مدیر انتشارات انصاریان به‌عنوان ناشر آثار آیت‌الله امینی خاطراتی

قریب به ۶۰ سال آشنایی و رفاقت با ایشان را جویا شده که تقدیم خوانندگان محترم هفته‌نامه افق حوزه می‌شود.

ه آشنایی شما با آیت‌الله امینی به چه سالی برمی‌گردد؟ از دوران تحصیل ایشان خاطراتی دارید؟

● بنده آیت‌الله امینی را تقریباً از سال ۱۳۴۰ شمسی. من از محضر ایشان تقاضا کردم که بعضی از دوستان مایل‌اند تا جلسه‌ای ترتیب داده شود و در آن پرسش و پاسخ و سنوالات خود را مطرح کنند و حضرت‌عالی جواب بفرمایند و بعد هم پند و اندرز و سفارش دینی؛ زیرا اکثر این آقایان در دانشگاه و یا در ادارات هستند. ایشان هم با رفتی باز و لطفی که همیشه به ما داشتند، قبول کردند و این جلسات در محضرایشان سابقه داشت. جلسه معرفی بود که آیت‌الله دکتر بهشتی تشکیل داده بود و در آن حوزویان و دانشگاهیان و بازاریان شرکت می‌کردند و بعضی از اوقات که آقای بهشتی تشریف نداشتند، به‌خصوص زمانی که به هامبورگ رفتند، آیت‌الله امینی آن جلسه را اداره می‌کردند و تقریباً ادامه آن جلسات در منزل ما که آن موقع در یکی از محلات شهستان قم به نام یخچال قاضی بود، تشکیل و تا سال ۱۳۵۶ هر هفته یک بار برگزار می‌شد.

● **چه مباحثی مطرح می‌شد، آیا مواردی از آن را ضبط کرده‌اید؟**

● بحث‌های خوبی مطرح می‌شد که ای کاش ضبط کرده بودم و اکنون نیز استفاده می‌کردیم. تا این‌که انقلاب شروع شد و بعد از آن هر کسی به‌نحوی مشغول کاری در کشوری و با شهردیگری شد و امکان تشکیل جلسه نبود. آن‌چه بیاد دارم جلسات اول بنا شد، از تفسیر قرآن مجید شروع شود و آیت‌الله امینی رحمته‌الله هم این آیات را که البته خواسته بعضی از دوستان بود، مطرح می‌کردند و با خود تفسیرالمیزان و تیبان را می‌آوردند و سنوالات را پاسخ می‌دادند.

ایشان اکثر روزها قبل از ظهر به دفتر ما می‌آمدند و در آن‌جا عده‌ای هم جمع می‌شدند و صبحت و گفت‌وگو از آسمان و زمین، سیاست و اقتصاد و به‌ویژه مسائل فرهنگی و دینی دائماً در جریان بود.

● **آیا در این گنده‌ها فقط درس و بحث دنبال می‌شد؟**

● خیر، آیت‌الله امینی رحمته‌الله در جلسات خاطراتی از دوران تحصیلی خودش نقل می‌کرد و می‌فرمود: «ما وقتی به قم آمدم، در مدرسه حاج ملاصادق واقع در گذر قلعه قم سکونت داشتیم. آنقدر وضع زندگی ما در مضیقہ بود که نگو و نپرس. در زمانی که آیت‌الله سیدجلال فقیه ایمانی داماد آیت‌الله‌العظمی خوئی فوت کردند، کتابی از شیخ زندگانی ایشان منتشر شد و برای آیت‌الله امینی آوردند. ایشان گفت: آیت‌الله فقیه ایمانی مقداری از دروس سطوح را در اصفهان نزد من (آیت‌الله امینی) خوانده بود و خوب هم می‌خواند و خیلی کوشا بود. خدمات آقای سیدجلال مانند خانه‌سازی‌های قم، مدرسه علمیه در مشهد مقدس و خدمات دیگر معروف و معلوم است. بعدها آقا سیدعلی غیوری پیش من دروس سطح را می‌خواند… و آن‌گاه نقل کرد:

ایشان سیدمحمدعلی شیرازی ترتیب ملاقات را دادم و حدود یک ساعت طول کشید و نتیجه‌اش این شد که ملاقات‌های دیگری انجام پذیرد تا بلکه یک جا جمع شوند و از تهران هم اجازه بگیرند و تا می‌توانند، با آقایان مشهد مسئله را حل و فصل کنند. در ضمن تصمیم‌گیری و مذاکرات متعدد آیت‌الله امینی با حضرات نمی‌دانیم، چه اتفاقاتی در این بین افتاد که نه‌تنها مشکل حل نشد؛ بلکه سراز جانی درآورد که همه می‌دانید و می‌دانیم.

● **با توجه به این‌که آیت‌الله امینی سالیان متمادی امام جماعت مسجد اعظم بودند، خاطره‌ای از این ایام دارید؟**

● بعد از این‌که مرحوم حجت‌الاسلام حاج سیدصادق طباطبائی بروجردی نوه پسری مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی فوت کردند، تمام ورثه و متولیان مسجد اعظم جمع شدند و کلیه کارها را به آیت‌الله سیدجواد علوی بروجردی نوه دختری ایشان محول کردند. یکی از کارها امام جماعت برای مسجد اعظم بود. عده‌ای می‌گفتند آیت‌الله علوی بپذیرد؛ ولی ایشان خودشان نخواستند و نپذیرفتند. به‌رحال آیت‌الله سعودی تولیت وقت آستانه مقدسه و خود آیت‌الله علوی خدمت بعضی از مراجع رفتند و آن‌ها نیز قبول نکردند تا قرعه به نام آیت‌الله امینی افتاد که مطلب را به عرض مقام معظم رهبری رساندند و ایشان هم از این گزینه و انتخاب خوشحال شدند. حقیر (انصاریان) هم واسطه ملاقات‌ها شدم و به هرسورت آیت‌الله امینی رحمته‌الله امام جماعت مسجد اعظم شد و بحمدالله ادامه پیدا کرد و تا زمانی که ایشان کسالت‌شان جدی نشده بود، حضور داشتند.

● **حضور آیت‌الله امینی در مسجد اعظم فقط به جهت اقامه نماز بود؟**

● خیر، این امام جماعت یک ویژگی خاص داشت و آن هم برگزاری جلسه بعد از اقامه نماز بود که حدود یک ساعت می‌نشست و جواب سنوالات مردم را پاسخ می‌گفت. این‌گونه که گاهی نقل می‌کردند سنوالات خانواده‌گی، شرکت‌های تجاری، درسی، حوزوی، دانشگاهی و مالی بود و آن‌قدر این جلسه خوب یا گرفته و مردم خوشحال بودند که توصیف ندارد. ● **با توجه به این شیوه امامت جماعتی آیت‌الله امینی، واکنش‌هایی وجود داشت یا خیر؟**

● بله، شنیدم مقام معظم رهبری متوجه شده بودند و در جلسه‌ای به ایشان گفته بودند: بسیار کار خوبی است. ما هم حاضریم، در ثوابش شریک باشیم و اگر لازم است، مبلغی از دفتر ماهیانه برای شما بفرستیم تا مشکلات مالی کسانی را که به شما مراجعه می‌کنند، حل کنید که آیت‌الله امینی نپذیرفته و گفته بودند: مسئولیت سنگینی است و از عهده من بر نمی‌آید. اما در ذیل داستان اقامه نماز قضیه‌ای نقل کنم: تعریف می‌کردند شبی در عالم رؤیا می‌بیند که در کنار آیت‌الله‌العظمی بروجردی نشسته‌اند و با ایشان صحبت می‌کنند. وقتی بیدار می‌شوند، خیلی تعجب می‌کنند و برای حقیر تعریف کردند. من هم با این‌که از این سری مسائل چیزی بلد نیستم، در عین حال گفتم: دو مسئله در این رؤیا نهفته است. گفتند چه مسائلی؟ عرض کردم: یکی اقامه نماز جماعت مسجد اعظم و رضایت آیت‌الله بروجردی است و یکی دیگر این‌که مدتی بعد به کربلا برای زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام مشرف می‌شوید، ان‌شاء‌الله. گفتند احسنت و واقعاً این‌طور شد و بعد از مدتی این تشرف حاصل گردید؛ البته بی‌مناسبت نیست که بگویم ترتیب این تشرف را جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدجواد شهستانی داده بودند. آیت‌الله امینی خیلی از این مسافرت خوشحال بود. به‌خصوص ملاقاتی که با آیت‌الله‌العظمی سبستانی داشتند.

● **آقای انصاریان! شما از ابتدا ناشر آثار آیت‌الله امینی بودید؟**

● خیر، از ابتدای رسالت ناشری من این‌گونه نبود. وقتی من از آقای وافی دوست بسیار عزیزم جدا شده و انتشارات شفق را به ایشان واگذار کردم، انتشارات انصاریان شروع به کار کرد و کارهای خوبی که انجام پذیرفت، ترجمه کتاب‌های آیت‌الله امینی به زبان‌های مختلف بود. به اطلاعاتن برسانم که آیت‌الله امینی حدود ۲۲ جلد کتاب دارند که ۱۵ جلد از آن‌ها تألیف و بقیه ترجمه شده است که بعضی از آن‌ها به ۵ الی ۱۰ زبان ترجمه و در دنیا پخش شده است.

● **چایگاه و شخصیت علمی آیت‌الله امینی را در عرصه بین‌الملل چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

● جا دارد برای کارهای فرهنگی آیت‌الله امینی کتابی مستقل نوشته، چاپ و نشر گردد. هم‌چون دیگران به‌عنوان یک روحانی کارهای بسیاری کرده‌اند که قابل تقدیر است؛ اما ویژگی آیت‌الله امینی در این است که در نشر علوم دینی به زبان‌های خارجی انصافاً زحمات طاق‌تفرسایی کشیده و از هر‌راه و مسیری که توانسته و با امکانات کمی که در اختیارشان بوده، به چاپ و نشر کتاب‌های خود پرداخته و سعی بلیغ در این زمینه داشته و می‌توان گفت، در

این قسمت بی‌نظیر و یا کم‌نظیر است. خاطرات و کارهای فرهنگی و دینی آیت‌الله امینی به‌خصوص قبل از انقلاب و بعد از آن بسیار زیاد است که خودشان در جزوه‌ها، مجلات و مصاحبه‌ها نوشتند و نقل فرمودند؛ و به‌ویژه در کتاب خاطراتشان که توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» چاپ و نشر شده است و خاطرات بسیار جالبی با مرحوم امام خمینی رحمته‌الله و علامه طباطبائی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه دارند که برخی از آن‌ها در کتاب «آشنای آسمان» خاطرات حقیر از مرحوم علامه نقل شده است.

گفت‌وگو اکبر پورسیحان



ایشان سیدمحمدعلی شیرازی ترتیب ملاقات را دادم و حدود یک ساعت طول کشید و نتیجه‌اش این شد که ملاقات‌های دیگری انجام پذیرد تا بلکه یک جا جمع شوند و از تهران هم اجازه بگیرند و تا می‌توانند، با آقایان مشهد مسئله را حل و فصل کنند. در ضمن تصمیم‌گیری و مذاکرات متعدد آیت‌الله امینی با حضرات نمی‌دانیم، چه اتفاقاتی در این بین افتاد که نه‌تنها مشکل حل نشد؛ بلکه سراز جانی درآورد که همه می‌دانید و می‌دانیم.

● **با توجه به این‌که آیت‌الله امینی سالیان متمادی امام جماعت مسجد اعظم بودند، خاطره‌ای از این ایام دارید؟**

● بعد از این‌که مرحوم حجت‌الاسلام حاج سیدصادق طباطبائی بروجردی نوه پسری مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی فوت کردند، تمام ورثه و متولیان مسجد اعظم جمع شدند و کلیه کارها را به آیت‌الله سیدجواد علوی بروجردی نوه دختری ایشان محول کردند. یکی از کارها امام جماعت برای مسجد اعظم بود. عده‌ای می‌گفتند آیت‌الله علوی بپذیرد؛ ولی ایشان خودشان نخواستند و نپذیرفتند. به‌رحال آیت‌الله سعودی تولیت وقت آستانه مقدسه و خود آیت‌الله علوی خدمت بعضی از مراجع رفتند و آن‌ها نیز قبول نکردند تا قرعه به نام آیت‌الله امینی افتاد که مطلب را به عرض مقام معظم رهبری رساندند و ایشان هم از این گزینه و انتخاب خوشحال شدند. حقیر (انصاریان) هم واسطه ملاقات‌ها شدم و به هرسورت آیت‌الله امینی رحمته‌الله امام جماعت مسجد اعظم شد و بحمدالله ادامه پیدا کرد و تا زمانی که ایشان کسالت‌شان جدی نشده بود، حضور داشتند.

● **حضور آیت‌الله امینی در مسجد اعظم فقط به جهت اقامه نماز بود؟**

● خیر، این امام جماعت یک ویژگی خاص داشت و آن هم برگزاری جلسه بعد از اقامه نماز بود که حدود یک ساعت می‌نشست و جواب سنوالات مردم را پاسخ می‌گفت. این‌گونه که گاهی نقل می‌کردند سنوالات خانواده‌گی، شرکت‌های تجاری، درسی، حوزوی، دانشگاهی و مالی بود و آن‌قدر این جلسه خوب یا گرفته و مردم خوشحال بودند که توصیف ندارد.

● **با توجه به این شیوه امامت جماعتی آیت‌الله امینی، واکنش‌هایی وجود داشت یا خیر؟**

● بله، شنیدم مقام معظم رهبری متوجه شده بودند و در جلسه‌ای به ایشان گفته بودند: بسیار کار خوبی است. ما هم حاضریم، در ثوابش شریک باشیم و اگر لازم است، مبلغی از دفتر ماهیانه برای شما بفرستیم تا مشکلات مالی کسانی را که به شما مراجعه می‌کنند، حل کنید که آیت‌الله امینی نپذیرفته و گفته بودند: مسئولیت سنگینی است و از عهده من بر نمی‌آید.

اما در ذیل داستان اقامه نماز قضیه‌ای نقل کنم: تعریف می‌کردند شبی در عالم رؤیا می‌بیند که در کنار آیت‌الله‌العظمی بروجردی نشسته‌اند و با ایشان صحبت می‌کنند. وقتی بیدار می‌شوند، خیلی تعجب می‌کنند و برای حقیر تعریف کردند. من هم با این‌که از این سری مسائل چیزی بلد نیستم، در عین حال گفتم: دو مسئله در این رؤیا نهفته است. گفتند چه مسائلی؟ عرض کردم: یکی اقامه نماز جماعت مسجد اعظم و رضایت آیت‌الله بروجردی است و یکی دیگر این‌که مدتی بعد به کربلا برای زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام مشرف می‌شوید، ان‌شاء‌الله. گفتند احسنت و واقعاً این‌طور شد و بعد از مدتی این تشرف حاصل گردید؛ البته بی‌مناسبت نیست که بگویم ترتیب این تشرف را جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدجواد شهستانی داده بودند. آیت‌الله امینی خیلی از این مسافرت خوشحال بود. به‌خصوص ملاقاتی که با آیت‌الله‌العظمی سبستانی داشتند.

● **آقای انصاریان! شما از ابتدا ناشر آثار آیت‌الله امینی بودید؟**

● خیر، از ابتدای رسالت ناشری من این‌گونه نبود. وقتی من از آقای وافی دوست بسیار عزیزم جدا شده و انتشارات شفق را به ایشان واگذار کردم، انتشارات انصاریان شروع به کار کرد و کارهای خوبی که انجام پذیرفت، ترجمه کتاب‌های آیت‌الله امینی به زبان‌های مختلف بود. به اطلاعاتن برسانم که آیت‌الله امینی حدود ۲۲ جلد کتاب دارند که ۱۵ جلد از آن‌ها تألیف و بقیه ترجمه از عربی به فارسی است و آن ۱۵-۱۶ کتاب تألیفی تقریباً به ۱۲ زبان ترجمه شده است که بعضی از آن‌ها به ۵ الی ۱۰ زبان ترجمه و در دنیا پخش شده است.

● **چایگاه و شخصیت علمی آیت‌الله امینی را در عرصه بین‌الملل چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

● جا دارد برای کارهای فرهنگی آیت‌الله امینی کتابی مستقل نوشته، چاپ و نشر گردد. هم‌چون دیگران به‌عنوان یک روحانی کارهای بسیاری کرده‌اند که قابل تقدیر است؛ اما ویژگی آیت‌الله امینی در این است که در نشر علوم دینی به زبان‌های خارجی انصافاً زحمات طاق‌تفرسایی کشیده و از هر‌راه و مسیری که توانسته و با امکانات کمی که در اختیارشان بوده، به چاپ و نشر کتاب‌های خود پرداخته و سعی بلیغ در این زمینه داشته و می‌توان گفت، در این قسمت بی‌نظیر و یا کم‌نظیر است. خاطرات و کارهای فرهنگی و دینی آیت‌الله امینی به‌خصوص قبل از انقلاب و بعد از آن بسیار زیاد است که خودشان در جزوه‌ها، مجلات و مصاحبه‌ها نوشتند و نقل فرمودند؛ و به‌ویژه در کتاب خاطراتشان که توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» چاپ و نشر شده است و خاطرات بسیار جالبی با مرحوم امام خمینی رحمته‌الله و علامه طباطبائی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه دارند که برخی از آن‌ها در کتاب «آشنای آسمان» خاطرات حقیر از مرحوم علامه نقل شده است.

گفت‌وگو اکبر پورسیحان



نیز مؤظف هستیم که با اقتدای به امام حسین ^{علیه} از اسلام دفاع بکنیم. برای مستند کردن سخنان خود به بخش‌هایی از سخنان امام راحل اشاره می‌کنم؛ در یک مورد ایشان فرمودند: اسلام خیلی عزیزاست و خیلی فدایی داده است که امام حسین ^{علیه} نمونه آن است، الان نوبت ماست که اسلام به دست ما افتاده است و باید فکراین باشیم که اسلام را حفظ کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین لکزایی یادآور شد: بنابراین رویکرد ما در قبال انقلاب اسلامی اقتدا به نهضت حسینی و با هدف حفظ اسلام باشد، هم‌چنان که امام خمینی ^{علیه} براین مسأله تأکید داشتند.

• ایران نقطه امید مستضعفان عالم است

دکتر سهیل اسعد اندیشمند آرژانتینی نیز در این همایش با اشاره به تأثیر حرکت امام خمینی ^{علیه} بر مظلومان و مستضعفان جهان اظهار داشت: امام خمینی ^{علیه} یک مسأله جدید در معادلات بین‌المللی به وجود آوردند.

وی ادامه داد: امام خمینی ^{علیه} دین و معنویت را به‌عنوان نقطه قوت انقلاب اسلامی مطرح و بر آن تأکید داشتند و عقیده‌شان این بود که باید آزادی و استقلال را با تعریف اسلامی به کل جهانیان معرفی کنیم.

سهیل‌اسعد تصریح کرد: حرکت امام خمینی ^{علیه} در حقیقت، ایجاد یک خط سومی در ساحت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌نام جمهوری اسلامی بود که هیچ وابستگی به شرق و غرب عالم نداشته باشد. این اندیشمند آرژانتینی با بیان این‌که عدم وابستگی به حکومت‌های دنیا از دستاوردهای انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، گفت: همین مسائل نقطه امیدی در قلوب مستضعفان عالم به وجود آورده و این امیدواری هم‌چنان ادامه دارد.



عنوان کرد و گفت: باید در دبیرخانه یک‌صدمین سالگرد تأسیس حوزه، نهضت و شخصیت حضرت امام ^{علیه} به‌عنوان درخشان‌ترین فصل در تاریخ حوزه‌های علمیه برجسته و تبیین، تشریح و مستند شود.

ما به نوبه خود این نهضت مبارک را ارج می‌نهیم و از خدای متعال می‌خواهیم تا نهضت اسلامی و ملت‌های مستضعف را در تمام جهان نصرت ببخشد و فرج حضرت صاحب الامر امام مهدی ^{علیه} را تعجیل نماید.

• امام راحل دشمن‌شناسی را از امام حسین ^{علیه} به ارث برده بود

حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالفتاح نواب نیز در این همایش با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب در مورد شناخت دشمنان و هوشیاری و استقامت در برابر آن‌ها اظهار داشت: ایشان تأکید دارند، برخلاف کسانی که کوتاه آمدن در مقابل دشمنان را اقتضای عقل می‌دانند، امام ^{علیه} با تکیه بر خرد پخته خود، عقب‌نشینی و نرمش در قبال دشمنان را، دادن فرصت پیشروی به آنان می‌دانست.

نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت با بیان این‌که امام راحل در تمام حیات پربرت خود، هم‌چون کوه در مقابل دشمنان ایستاد، افزود: روشن‌گری نسبت به راه و افشاگری نسبت به دشمن و دشمنی‌هایش یکی از اندیشه‌های امام راحل بود که آن را از امام حسین ^{علیه} به ارث برده بود.

وی بیان داشت: امام راحل بعداز اخراج اجباری از عراق و ممانعت از ورود به کویت، فرمودند: مسأله مهم عمل به تکلیف الهی است و مهم‌ترین امر، مصالح اسلام و مسلمین است؛ در جای دیگر نیز فرمودند: من هر کجا بروم، حرفم را می‌زنم و از فرودگاهی به فرودگاه دیگر و از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنم تا به دنیا اعلام کنم که تمام ظالمان دنیا دستشان را در دست یک‌دیگر گذاشته‌اند تا مردم جهان صدای مظلومان را نشوند.

سرپرست حجاج ایرانی در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: امام راحل به تبعیت از امام حسین ^{علیه} عقیده داشتند که ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد؛ هم‌چنان که سیدالشهدا ^{علیه} فرموده بودند: «هیئات منالذله».

• مرجع‌امینیت از دیدگاه امام خمینی ^{علیه}

حجت‌الاسلام والمسلمین نجف لکزایی نیز در این همایش، ضمن تسلیت به مناسبت سال‌روز رحلت امام خمینی ^{علیه} با اشاره به تحلیل امام خمینی ^{علیه} از قیام امام حسین ^{علیه}، در تبیین موضوع مرجع‌امینیت، گفت: در مکاتب امنیتی امروز از مراجع مختلف در عرصه امنیت، سخن گفته می‌شود؛ معمولاً در نظام‌های مبتنی بر مکاتب رئالیستی از دولت‌ها به‌عنوان مرجع امنیت یاد می‌شود؛ در برخی نظام‌ها از فرد و آزادی‌های فردی و در برخی نظام‌ها از پادشاه به‌عنوان مرجع امنیت یاد می‌شود. در قیام عاشورا و قیام امام حسین ^{علیه}، با اشاره به مرجع‌امینیت است، بنابراین از نظر امام خمینی ^{علیه} دلیل قیام امام حسین ^{علیه}، بنابراین از نظر امام بود؛ هم‌چنان‌که در یکی از فرمایش‌های امام حسین ^{علیه} به این مسأله اشاره شده است که فاتحه اسلام را روی کارآمدن کسی به‌نام یزید خوانده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: بر این اساس، امام راحل معتقد بود، هرگاه اسلام در خطر بیفتد ما



آیت‌الله مدرسی در پیامی به همایش نهضت عاشورا در اندیشه امام خمینی ^{علیه}

نهضت امام راحل جایگاه مرجعیت دینی را در نفی سلطه مستکبران نشان داد

سرکوب، اعدام و زندان سخن می‌گفت و صدای آزادگان را در حجره‌ها خفه، و آزاد مردان را قلع و قمع می‌کرد.

در واقع هدف انقلاب اسلامی در اصل معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» خلاصه شد. و این‌گونه بود که رهبری و هدایت انقلاب اسلامی ایران از پایگاه حوزه علمیه و نهاد مرجعیت امام خمینی ^{علیه} به مثابه یک مرجع دینی رسالت‌مند برخاست.

با وجود این‌که رژیم شاه در سرکوب حرکت مردمی از مشت آهنین، گلوله، زندان، شکنجه و کشتار بهره می‌برد، نهضت اسلامی مردم ایران، معادلات اشغال فلسطین نیز آرام‌آرام تغییر کرد و رژیم صهیونیستی از یک رژیم طغیان‌گر که از طریق کشتار و آواره کردن مردم، پیشروی می‌کرد و جلوداری نداشت، با پاسخ جنایت‌هایش جز با بیانیه‌ها محکوم نمی‌شد، به رژیمی دست‌بسته تبدیل شد که تمام تلاش خود را بسپح می‌کند تا خسارت‌های وارده بر خود از موشک‌های شلیک شده مقاومت از جنوب لبنان و یا نوار غزه را جبران کند.

نهضت امام خمینی ^{علیه} ثابت کرد، نهاد مرجعیت دینی در صورتی که مسئولیت‌های رسالت‌مند خود را بر دوش کشد، معادلات جهانی را به نفع مستضعفان تغییر خواهد داد و دست مستکبران را کوتاه می‌کند.

به گزارش خبرگزاری حوزه از تهران، آیت‌الله سید محمدتقی مدرسی از علمای عراق، در پیامی به همایش مجازی «نهضت عاشورا در اندیشه امام خمینی ^{علیه} تصریح کرد: نهضت امام راحل جایگاه مرجعیت دینی را در نفی سلطه مستکبران نشان داد. در پیام ایشان، ضمن اشاره به قیام پانزده خرداد سال چهل‌ودو به رهبری حضرت امام ^{علیه} و تسلیت به مناسبت ۱۴ خرداد سال‌روز رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران،

به مردم، رهبری، مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه آمده است: در فرارسیدن سال‌روز این دو مناسبت مهم، شایسته است به گذشته‌های گاهی انداخته و مسیر این انقلاب که در پی آن بسیاری از معادلات قدرت در منطقه، بلکه در جهان تغییر کرد با نوازیایی کنیم. این انقلاب در نوع خود تجربه‌ای جدید، با انگیزه‌ها، اهداف، ابزارها و رهبری متمایز نسبت به دیگر انقلاب‌های قرن بیستم بود.

آتش این انقلاب، پنجاه‌هفت سال پیش با انگیزه‌هایی دینی و مکتبی و به دور از انگیزه‌های سیاسی و انقلابی غالب در آن دوره شعله‌ور شد. هدف امام راحل، استقلال و آزادی ملت ایران از سلطه حکومت ستم‌شاهی بود؛ حکومتی که تماماً تابع فرهنگ، اصول و برنامه‌های کشورهای بیگانه بود؛ اما وقتی به ملت خود می‌رسید، با زبان اطلاعات و امنیت،

آیت‌الله اعرافی در جمع معاونان حوزه

مدیر حوزه‌های علمیه، اجرایی‌سازی طرحی جامع برای تبیین و ترویج اندیشه‌های امامین انقلاب در حوزه‌های علمیه و هم‌چنین تهیه و سامان‌دهی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و تربیتی، تبلیغی و بین‌المللی متناسب با آن طرح را ضروری دانست.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی در جلسه شورای معاونان حوزه که ۱۲خرداد در محل مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برگزار شد، ضمن بزرگ‌داشت ۱۴ و ۱۵خرداد، نام و شخصیت حضرت امام خمینی ^{علیه} و قیام ۱۵خرداد را گرامی داشته و مأموریت حوزه‌های علمیه را شناخت، گفتمان‌سازی، جهانی‌سازی و تمدن‌سازی در

و قضا گردید. او هم‌چنین از معدود افرادی بود که بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی جذب دوایر دولتی نشد، وی درباره عدم جذب در ادارات دولتی می‌نویسد: من

در سال ۱۳۳۴ش درحالی‌که بیش از ۲۵سال نداشتم، دارای تحصیلات جامع حوزوی و دانشگاهی بودم. پس از فراغت از دانشکده، باز چون گذشته در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شدم و از استخدام در دستگاه‌های دولتی منصرف شدم؛ چون استخدام در دوایر دولتی را تکیه به ظالم می‌دانستم. روزی از آیت‌الله‌العظمی اروتی از استخدام شدن در ادارات دولتی پرسیدم که فرمودند: در فرهنگ مانعی نمی‌بینم؛ چون ما فرهنگ را رها کردیم و دیگران با اشغال کردن، پای ما را از آموزش و پرورش دور کردند و آوردند بر سر نسل ما، آن‌چه آوردند.

• هجرت به رشت

آیت‌الله احسان‌بخش درباره علت هجرتش به رشت می‌نویسد: یک روز وقتی از درس امام برگشته بودم، مرحوم آیت‌الله سیدمحمود ضیابری از علمای بزرگ و ذی‌نفوذ رشت را دیدم. ایشان از من پرسید: تا کی می‌خواهی در قم بمانی و آب و هوای حوزه را بخوری؟ خسته نشده‌ای؟ آخر تو هم نسبت به جوان‌های این مملکت دینی داری و چه بهتر حالا دینت را نسبت به آنان ادا کنی! تو شرعاً مسئولی! قدری تکان بخور و به خود آی! بعد قول داد که اگر بیایی با همه توان از تو حمایت می‌کنم. سخنان گرم آن عالم ربانی به دلم نشست و به خود آمدم، قدری فکر کردم و دیدم که ما نباید فقط شهریه بگیریم و عمر تلف کنیم. انتظارات و توقعات ایشان به‌جاست. پشینهاد ایشان را پذیرفتم و در سال ۱۳۴۰ش به رشت رفتم.

• فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی

ایشان بعد از ورود به رشت در مدارس دینی مشغول تدریس گردید و به‌دستور آیت‌الله ضیابری در مسجد

کم‌تظیرو بلکه بی‌تظیر ساخته است.

مدیر حوزه‌های علمیه ضمن تبیین رسالت حوزویان در واکاوی ابعاد شخصیتی حضرت امام خمینی ^{علیه}،

اجرایی‌سازی طرحی جامع برای تبیین و ترویج اندیشه‌های امامین انقلاب در حوزه‌های علمیه و هم‌چنین تهیه و سامان‌دهی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و تربیتی، تبلیغی و بین‌المللی متناسب با آن طرح را ضروری دانست.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی در جلسه شورای معاونان حوزه که ۱۲خرداد در محل مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برگزار شد، ضمن بزرگ‌داشت ۱۴ و ۱۵خرداد، نام و شخصیت حضرت امام خمینی ^{علیه} و قیام ۱۵خرداد را گرامی داشته و مأموریت حوزه‌های علمیه را شناخت، گفتمان‌سازی، جهانی‌سازی و تمدن‌سازی در

کم‌تظیرو بلکه بی‌تظیر ساخته است.

چینی‌چیان از مساجد رشت به اقامه جماعت پرداخت. او در سال ۱۳۴۰ مدرسه ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان دین‌ودانش را با حمایت آیت‌الله ضیابری در شهر رشت تأسیس کرد. از آن‌جایی که سبک آموزشی این مدارس کاملاً دینی بود و با برنامه‌های سایر مدارس رژیم، تفاوت فاحش داشت، با استقبال شدید مردم متدین رشت روبه‌رو شد. در ایام تاسوعا و عاشورای حسینی هیئت عزاداری با دستجات منظم و باشکوهی از این مدارس، وارد شهر رشت می‌شدند. استقبال پرشور جوانان و مردم از آن به‌قدری تأثیرگذار بود که بارها شهرپرانی و ساواک می‌خواستند، جلوی آن را بگیرند؛ اما چون فراگیر شده بود، نمی‌توانستند کاری انجام دهند. اشعار انقلابی این هیئت در بیداری نسل جوان و مردم شهر رشت بسیار مؤثر واقع گردید، از جمله اشعار آن‌ها این است:
تاج و تختت را یزیدا واژگون خواهیم کرد
کاخ تو ویران چون کاخ بیستون خواهیم کرد
شاه می‌باشی که دنیا شد به کامت ای یزید!
در همین دنیا ترا پست و زبون خواهیم کرد.

وی در بخش عمرانی و سازندگی خدمات فراوانی را در سطح استان گیلان همانند احداث پل، درمانگاه، مدرسه، حوزه علمیه و مسجد انجام داد که مهم‌ترین آن احداث مسجد امام خمینی ^{علیه} (مصلاى نماز جمعه) می‌باشد که یکی از بزرگ‌ترین مصلاهای جمعه کشور است و دارای موقوفات فراوان می‌باشد.

• آثار علمی

مرحوم احسان‌بخش با وجود مسئولیت‌های گوناگون در استان گیلان، روزانه تعهد داشت که پنج ساعت مطالعه کند. حاصل مطالعات وی، تألیفات ارزشمندی است که از خود به یادگار گذاشت که عبارتند از: خوارج و علل پیدایش آن (۳جلد)، سی‌گفتار (۲جلد)، نقش دین در خانواده (۲جلد)، تفسیر سوره‌های قیامت،



به امام خمینی ^{علیه} عشق می‌ورزید و درباره‌اش می‌گفت: «من برای امام خمینی ^{علیه}، حاضرم از هر چیزی بگذرم…» شهادتش گواه صداقتش بود و خداوند فرمود: «هذا يوم یوم ینفع الصادقین صدقهم»؛ (مانده/۱۱۹)

• تولد و تحصیل

روحانی شهید علی (مهدی) عباسی خشرودی سال ۱۳۴۳ش در شهرستان بابل به دنیا آمد و در خانه پرمهر خانواده‌ای مذهبی قد کشید پس از اتمام دوره دبیرستان، راه بزرگان دین و شریعت را پیش گرفت و برای تحصیل علم دینی به حوزه علمیه روحیه بابل رفت. علاقه به درس حوزوی سبب پیشرفت او در تحصیل شد؛ مقدمات را زود تمام کرد و مشغول سطح عالی حوزه شد. ذوق در تدریس کتاب‌های که می‌خواند نشان از هنرمندی و فهم بالای او در مطالب داشت.

• اخلاق و تهذیب

کسانی که او را می‌شناختند، از روحیات معنوی سرشاری سخن می‌گویند؛ او با قرآن و ادعیه انس داشت؛ ساده‌زیستی و قناعت در زندگی‌اش بارز بود؛ هنگام کمک به مردم، سعی داشت دیگران متوجه نشوند؛ به خواندن نماز شب اهمیت ویژه‌ای می‌داد. هم‌اتاقی‌اش در حوزه می‌گوید: چند سالی که هم‌حجره بودیم، شب‌های جمعه را مهدی تا صبح نمی‌خوابید و زیارت جامعه و قرآن می‌خواند.

• خاطراتی از هم‌زمین شهید

در کردستان با هم بودیم؛ یکی از شب‌ها هوا آن‌قدر سرد بود که کسی جرأت بیرون رفتن از سنگر را نداشت؛ نیمه‌شب دیدم که جای ایشان خالی است. کنجکاو شدم. آمدم بیرون و دیدم که او زیر یکی از شیپرها در حال خواندن نماز شب است و صدای ناله‌اش به گوش می‌رسد.

• روحیه انقلابی شهید

در کنار تحصیل علم، به مسئله جهاد و حضور در میان جهادگران اهمیت بسزایی می‌داد. در کوه‌های بلند کردستان و هوای گرم جنوب حضور حماسی داشت و از افراد گروه ضربت عملیاتی در جبهه بود که در مواقع ضروری به آن مناطق می‌رفت.

• فیض عظما

این روحانی مجاهد عاقبت پس از چند بار حضور در مناطق عملیاتی، در اواخر سال ۱۳۶۵ش بر اثر اصابت خمپاره در شلمچه آسمانی شد و به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

تهیه و تنظیم: علی‌اکبر بخش‌ش



• تولد و تحصیل

مجاهد خستگی‌ناپذیر و روحانی آگاه آیت‌الله صادق احسان‌بخش از عالمان مبارز و باشهامت استان گیلان بود که در سال ۱۳۹۹ شمسی در یکی از روستاهای اطراف رشت و در خانواده‌ای کشاورز و متدین و علاقه‌مند به روحانیت متولد شد. قرآن و خواندن و نوشتن و نیز علوم کلاسیک جدید را در زادگاهش فرا گرفت و در سال ۱۳۲۴ شمسی به توصیه پدر وارد حوزه علمیه رشت گردید و به‌مدت سه سال مقدمات و مقاری از سطح را در نزد استادان میز آن دیار فرا گرفت.

• ورود به قم

آیت‌الله احسان‌بخش، جهت ادامه تحصیل و تکمیل معلومات به حوزه علمیه قم رفت و سطوح متوسطه و عالیه را نزد اساتید برجسته و نامداری چون حضرات آیات: شهید محمد صدوقی، محمد لاکنای، سیدعبدالوهاب بتولی، سیدشهاب‌الدین مرعشی‌حسینعلی منتظری، سیدرضا صدر، محمد مجاهدی، محمد فکور، میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، عبدالحسین فقیهی رشتی، سیدمحمدباقر سلطانی و شیخ مهدی مازندرانی فرا گرفت و با کسب موفقیت در امتحانات سطوح، وارد درس خارج فقه و اصول آیات عظام سیدحسین طباطبایی بروجردی، سیدمرتضی مرتضوی لنگوردی و سیدروح‌الله موسوی خمینی شد. ایشان هم‌زمان، علوم عقلی و تفسیری را از محضر علامه طباطبایی صاحب المیزان فرا گرفت و خود نیز سطوح پایین‌تر را در تدریس می‌کرد.

• علوم دانشگاهی

آیت‌الله احسان‌بخش از جمله فضلاء حوزه علمیه بود که علاوه بر تکمیل معلومات حوزوی، برای فراگیری علوم دانشگاهی وارد دانشگاه تهران گردید و موفق به اخذ سه لیسانس در رشته‌های متقول، روان‌شناسی



فرزانگان

آیت‌الله صادق احسان بخش

این‌توانای جسمی که داشت، محور حرکت مردمی در استان گیلان بود. به جرأت می‌توان گفت که هیچ عملیاتی در طول هشت سال جنگ تحمیلی انجام نگرفت، مگر این‌که وی در آن حضور جدی داشت. او حتی در برخی از مواقع در خط مقدم جبهه به دیدن رزمندگان اسلام می‌رفت و به آنان روحیه می‌داد. هم‌چنین نقش ایشان در بسیج و جمع‌آوری کمک‌های مردمی در پشت جبهه بسیار چشم‌گیر بود. مردم قهرمان استان گیلان هیچ‌گاه کاروان‌های بزرگ (۵۰۰، ۷۰۰، ۱۰۰۰، ۱۲۵۰، ۱۵۰۰دستگاهی) کامیون‌های کمک‌های مردمی استان گیلان به جبهه‌های جنگ را از یاد نخواهند برد که از ابتکارات آیت‌الله احسان‌بخش بود.

• رحلت

ایلی عالم مجاهد در شب ۱۴ خرداد ۱۳۸۰ش به ملکوت اعلی پیوست. بیکر پاکش پس از تشییع کم‌تظیر مردم متدین رشت و اقامه نماز توسط آیت‌الله محمدی گیلانی در مصلاى جمعه مدفون گردید. در پی رحلت ایشان مقام معظم رهبری، مراجع عالی‌قدر، سران قوا و شخصیت‌های لشکری و کشوری پیام‌های تسلیتی ارسال کردند.

تهیه و تنظیم: محمدتقی ادهم‌نژاد؛ منبع: گلشن ابرار ج ۱۴، ص ۶۲۷، دانشوران کیل و دیلم ص ۱۰۵، خاطرات صادق صفحات مختلف

ممکن است ما به دلیل محدودیت معرفت‌مان حکمت همه افعال خداوند را ندانیم، چنان‌که خود در پاسخ به پرسش فرشتگان گفت: «انی اعلم مالا تعلمون؛ من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

- پرسش ۴**

سؤال دیگری این است که چرا خدا بدون رضایت ما، را مکلف به تکلیف کرد و برای گناه جهنم قرار داد؟

پاسخ

معنای این سوال این است که خدا چرا ما را انسان آفرید. چون اگر تکلیف نداشته باشیم فرقی بین ما و حیوانات نخواهد بود. انسان در قبال اعمال‌اش مسئول است، برخلاف حیوان؛ آیا از این‌که انسان آفریده شده‌ایم، باید ناراحت باشیم و بگوییم کاش حیوان بودیم؟ انسان اگر تکلیف و وظیفه نداشته باشد، مانند حیوان خواهد بود. اگر تکلیف باشد پاداش و کیفر هم خواهد بود، چون در غیر این صورت بین انسان وظیفه‌شناس و انسانی غیرمسئول و بین عادل و ستم‌گر فرقی نخواهد بود.

نکته مهم در اینجا، توجه به ماهیت پاداش و کیفر اخروی است. پاداش و کیفر اخروی از قبیل پاداش و کیفرهای دنیای صرف قرارداد نیست، بلکه امری تکوینی است. پاداش و کیفر نتیجهٔ طبیعی و تکوینی عمل است، مانند بسیاری از کارهای دنیا مثل ورزش و تغذیه.

اگر کسی ورزش کند و تغذیه سالم داشته باشد، پاداشش سلامتی است.

اگر کسی ورزش نکند و تغذیه ناسالم داشته باشد، مجازاتش بیماری است. این آثار تکوینی هستند، نه این‌که خداوند صرفاً از روی احساسات پاداش و کیفر دهد. ما با اعمال‌مان شخصیت خود را متناسب با ماهیت ما بهشت یا متناسب با جهنم می‌سازیم. پس کسی که جهنمی می‌شود باید خود را ملامت کند، چون خود، چنین سرنوشتی را برای خودش رقم زده است. در نظر بگیریم کسی را که جمعی را به باغی دعوت می‌کند که تیراز میوه‌های مفید و لذیذ است و آن‌ها را ز دعوت به استفاده از آن میوه‌ها می‌کند.

ضمناً تذکر می‌دهد که برخی از میوه‌ها ناسالم و مضر هستند و از آن‌ها میل نکنند، چون باعث بیماری و ناراحتی شما خواهند شد. حال اگر کسی با وجود این تذکرات و نصب تابلوهای منع‌کننده از میوه‌های ناسالم بخورد و بیمار شود، عقلاً چه کسی را سرزنش می‌کنند؟ صاحب باغ را که از این مهمانی را ترتیب داده، یا خود افرادی که از میوه‌های ممنوعه استفاده کرده‌اند؟

بله، این پرسش‌ها مطرح است و همیشه بوده و پاسخ به آن‌ها هم همیشه آسان نیست. فهم این‌گونه حقایق نیازمند تدبر و تفکر و بصیرت است و به علاوه تهذیب نفس و مراقبه لازم است. رسیدن به مقام یقین و تسلیم و رضا، آسان نیست و نصیب هرکسی نمی‌شود. از همین‌رو همواره در دعاها این نعمت‌ها را از خدا می‌خواهیم. بخشی از این اقناع با پاسخ نظری است، این کافی نیست.

پرسش ۵

این‌که گروهی شرور را از امور عدمی می‌دانند، قابل پذیرش عمومی نیست و شاید من هم از آن گروه باشم که نپذیرم، چون آنچه در واقع می‌بینیم، چنین نیست! برخی با این توضیح یا توجیه که فعل شر است و نه فاعل، از مظهر بودن فاعل شرور سخن می‌گویند؛ اما شما نیک می‌دانید که این‌هم پاسخ قانع‌کننده‌ای نیست؛ اگرچه درست هم باشد، لیکن دربارهٔ امور شری که مستقیم متناسب به خداوند می‌شود تمام نیست. اگر اشتباه نکنم شما در جایی فرمودید: عرقاً

اعتقاد دارند به این‌که وقتی انسان مشمول رحمت خاص نشد و از آن محروم شد و فقط تحت رحمت عام خداوند قرار گرفت این محرومیت از رحمت خاص، باعث ایجاد شر و بدی می‌شود. به نظر می‌رسد این توضیح هم مکفی نیست؛ آیا می‌توان فعل شر را بدون فاعل آن در نظر گرفت و فاعل را بی‌تاثیر در فعل‌اش دانست؟ آیا محرومیت از رحمت خاص، شر آفرین است؟ به عبارت دیگر، آیا شان رحمت عام خداوند، فراتر از این نیست که شر بیافریند؟ آیا شر عدمی است واقعا؟ اگر بخواهم منظوم را با یک مصداق روشن کنم و در یک جمله خلاصه و مفید بگم این‌طور می‌گویم که اگر از شما سوال شود که فعل شنیع شمر (لعنةالله علیه) چه توجیهی دارد و شمر چگونه مظهری خواهد بود، شما چه پاسخی بخواهید فرمود؟ آیا می‌توانم نظر شخصی شما را بدانم؟ این پاسخ می‌تواند پاسخ به انبوه سؤالاتی باشه که ممکنه به ذهن بیاد!

پاسخ

شر را به موجودی می‌توان نسبت داد که اولاً، از آگاهی و اختیار برخوردار باشد و ثانیاً، در او هوای نفس یا میل به شر وجود داشته باشد؛ یعنی کامل مطلق نباشد. بنابراین، از خداوند شر تحقق پیدا نمی‌کند، چون کامل و خیر مطلق است و هوای نفس یا گریزشی به شر ندارد. به موجوداتی که در حد انسان، از عقل و اختیار برخوردار نیستند (مانند جمادات و حیوانات) نیز نمی‌توان شر را نسبت داد، چون فرض این است که عقل و اختیاری که مسئولیت آفرین باشد ندارند. صدور شر از موجود مختاری مثل انسان ممکن است که هم از عقل و اختیار برخوردار است و هم از هوای نفس؛ بنابراین، فاعل شر در اعمال انسان، خود انسان است. شمر و یا هر شرور و جانی دیگری هرکاری که انجام می‌دهد البته مستقل نیست. علم و قدرت آن را خدا به او داده است و مظهر همه صفاتی است که در آن عمل دخیل‌اند. اما چون علم و اختیار و هوای نفس دارد، شر فعل‌اش متناسب به خود اوست نه خدا. شر مخلوق رحمت عام خدا نیست، بلکه معلول سوء اختیار بند است که منجر به محرومیت از رحمت خاص الهی می‌شود. مهم‌تر از بحث شر، مصونیت از شر است که باید از آن به خدا پناه برد:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴿۱﴾
قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۲﴾
النَّاسِ ﴿۳﴾
اِنَّ النَّاسَ ﴿۴﴾
مِنْ سُرِّ الْاَوْتُناسِ الْخَنَاسِ ﴿۵﴾
يُوَسْوِسُوْنَ فِیْ صُدُوْرِ النَّاسِ ﴿۶﴾
مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.

به علم ازلی خود می‌دانست که بسیاری از ما انسان‌ها به جهت شکست‌ها و ناکامی‌ها و دشواری‌ها در زندگی از تولد و حیات و سرنوشت خود ناراضی خواهیم بود. همین‌طور کسانی که سرنوشت نهایی‌شان جهنم و عذاب است، هرگز از حیات‌شان راضی نیستند؛ چنان‌که جهنمیان به تعبیر قرآن می‌گویند: «یا لیتنی کنت تراباً؛ ای کاش خاک بودم و انسان نبودم»؛ خدا به این موضوع قبل از خلقت ما علم داشت. با این حال چرا ما را آفرید؟

پاسخ

درست است کسانی از نتیجه زندگی خود راضی نیستند. اتفاقاً خداوند دین را برای اصلاح همین موضوع ارسال کرده است.

دین آمده است به ما آموزش دهد که تنها چیزی که ما باید از آن ناراضی و پشیمان باشیم و از عواقب آن بیم‌ناک، اعمال اختیاری خودمان است. تنها چیزی که در نهایت به ما آسیب می‌رساند، اعمال سوء اختیاری ما است. هیچ چیز دیگری در این عالم، نمی‌تواند مانع سعادت و خوشبختی ما شود. بله بسیاری از رویدادها ممکن است باعث درد و رنج ما بشود، اما درد و رنج محدود دنیا هرگز به معنای بدبختی و خسران نیست، چنان‌که موفقیت‌ها و خوشی‌های دنیا به معنای خوشبختی و سعادت نیست.

پس تلخی‌های دنیا به معنای بدبختی نیست. براساس تفکر دینی، اگر انسان به وظیفه خود عمل کند با وجود دشواری‌های دنیا، می‌تواند سعادتمند باشد. زندگی دنیا، بسیار کوتاه و گذرا است و دنیا با تلخی‌ها و خوشی‌هایش سریع‌تر از آن چه ممکن است فکر کنیم پایان می‌یابد. در تفکر دینی انسان حیات ابدی دارد، بدبختی و خوشبختی و شکست و موفقیت تنها براساس غم و شادی‌های زودگذر دنیوی محاسبه نمی‌شود. پس این‌که کسی ممکن است به خاطر تلخی‌های زندگی‌اش از حیاتش ناراضی باشد ریشه‌اش عدم توجه به حیات ابدی است. اگر به حیات ابدیش توجه داشته باشد با وجود تلخی‌های دنیا می‌تواند به سعادت برسد و بالاترین درجه رضایت را کسب کند. اما کسی که به خاطر کفر و عصیان مبتلا به عذاب اخروی می‌شود و از این وضع ناراضی است، منشأ این عدم رضایت و مسئول آن خدا نیست؛ خود فرد به جهت عصیان و اعمال اختیاری‌اش منشأ این عدم رضایت است و خود در قبال آن مسئول است، نه خدا.



براساس تفکر دینی، اگر انسان به وظیفه خود عمل کند

و با وجود دشواری‌های دنیا، می‌تواند سعادتمند باشد.

زندگی دنیا، بسیار کوتاه و گذرا است و دنیا با تلخی‌ها و

خوشی‌هایش سریع‌تر از آن چه ممکن است فکر کنیم

پایان می‌یابد. در تفکر دینی انسان حیات ابدی دارد

بدبختی و خوشبختی و شکست و موفقیت تنها براساس

غم و شادی‌های زودگذر دنیوی محاسبه نمی‌شود.

پس این‌که کسی ممکن است به خاطر تلخی‌های زندگی‌اش

از حیاتش ناراضی باشد ریشه‌اش عدم توجه

به حیات ابدی است. اگر به حیات ابدیش

توجه داشته باشد با وجود تلخی‌های دنیا می‌تواند

به سعادت برسد و بالاترین درجه رضایت را کسب کند.

پرسش مطرح شده این است که شخص می‌گوید من به این زندگی با این نتیجه راضی نیستم و چرا خدا با وجود آگاهی از این عدم رضایت مرا آفرید؟ پاسخ این است که چنان‌که گفتیم منشأ این عدم رضایت فعل شما است نه فعل خدا و ثانیاً، تصمیم گیرنده در امر آفرینش خدا است نه شما و رضایت شما نقشی ندارد. خدا مالک هستی و مالک شما است. سئوال‌کننده خدا را مانند انسانی دیگر فرض کرده است که با ما در شرایط برابر و مساوی است و مجاز نیست کاری که مورد رضایت ما نیست را انجام دهد. نسبت خدا با ما، مانند نسبت دیگر انسان‌ها با ما، نیست. ما و خدا در موضعی یکسان و برابر نیستیم. خدا مالک ماست و ما ملک او هستیم؛ حیات، مرگ و رزق ما به‌دست اوست. او مالک و صاحب اختیار ما است. او تابع ارزش‌های ما نیست. خدا پیرو نظام لیبرال دموکراسی نیست و در رفتارش با انسان‌ها تابع تصمیم‌های پارلمان‌های آمریکا و اروپا نیست. او مالک مطلق هستی است. اوست که تصمیم می‌گیرد چه چیزی و کسی آفریده شود. در آفرینش تابع رضایت ما نیست. این سخن به این معنا نیست که العباد بالله خدا مستبد است و ما مانند مستبدان عالم از روی هوا هوس رفتار می‌کند. خیز؛ خداوند میرا از این توهمنات است. او حکیم، عادل و مهربان است و همه کارهایش از روی حکمت و رحمت است؛ هرچه

فلسفه آفرینش شرور و ناگواری‌ها

گفت‌وگو با دکتر محمد فناپی اشکوری

در دوران ما آمریکا و رژیم صهیونیستی منشأ بیشترین جنایات، قتل‌ها و ویرانی‌ها و نسل‌کشی‌ها هستند. آل سعود با پشتیبانی آمریکا و انگلیس و با سلاح‌های آن‌ها هر روز ده‌ها کودک یمنی را به خاک و خون می‌کشد و خانه‌ها را بر سر ساکنانش ویران می‌کند؛ این جنایاتش مورد تشویق و تأیید آمریکا و انگلیس واقع می‌شود. بیابیم از این فاجعه‌ها متأثر شویم و برای پیشگیری از آن‌ها کاری نکنیم، نه از مردن سوسک‌ها و پشه‌ها. این کارها با اختیار انسان‌ها صورت می‌گیرد و قابل اجتناب است و خدا هم بشر را از آن‌ها منع کرده است. بیابیم کمپینی جهانی بر ضد ظلم و تجاوز و اشغال و لشکرکشی راه بیندازیم و از جنایات بزرگ جهانی تا ظلم‌های محدود فردی ممانعت و پیشگیری کنیم.

خلاصه آن‌که اگر طبیعت قانون‌مند باشد که هست و اگر انسان مختار باشد که هست، شرور و ناگواری‌ها رخ خواهد داد. مخالفت با این امر، لازمه‌اش این است که اولاً طبیعت قانون نداشته باشد ثانیاً، انسان اختیار نداشته باشد. وقتی اختیار نبود، مسئولیت و اخلاق و وظیفه هم معنا نخواهد داشت. هم‌چنین علم هم معنا نخواهد داشت؛ چون علم برای تغییر است. وقتی اختیار نباشد، تغییری نمی‌توانیم ایجاد کنیم؛ از سوی دیگر وقتی در طبیعت قانون نباشد علم و تکنولوژی هم نخواهد بود. در نتیجه، انسان از مواهب علم و اخلاق بی‌بهره خواهد بود و در نتیجه انسان نخواهد بود. طبق این تصویر طبیعت تبدیل به توده‌ای از ماده بی‌نظم و قانون و انسان هم حداکثر حیوانی خواهد بود که جز چریدن و دریدن کاری از آن ساخته نخواهد بود. آیا این نظامی که جایگزین نظام فعلی خواهد بود بهتر و برتر است؟

فرض و جایگزین منصور دیگر در این حالت این است که همه مواهب باشد، اما شر نباشد و انسان هم مرتکب ظلم نشود. این هم تکرار همان سخن است و همان لوازم را دارد. شر نباشد، یعنی قانون نباشد. چون اگر قانون باشد آتش می‌سوزاند، برای آتش فرقی نمی‌کند سوزاندن هیزم خشک یا سوزاندن یک خانه یا یک انسان؛ انسان مرتکب ظلم نشود، بسیار عالی است و آرزوی ما هم همین است؛ اما آیا اختیار داشته باشد، و مرتکب ظلم نشود یا اختیار نداشته باشد. اگر اختیار داشته باشد امکان ظلم خواهد داشت و اگر نداشته باشد انسان نخواهد بود و تکاملی نخواهد داشت. فرض دیگر این است که خدا همه نیازهای انسان را به صورت معجزه‌آسایی فراهم کند، به‌طوری‌که انسان برای تحصیل‌اش نیازی به کار و افتادن در سختی‌ها، تضادها و درگیر شدن با ناگواری‌ها و شرور نداشته باشد؛ در آن صورت دنیا تنبل‌خانه‌ای خواهد بود مانند مرغ‌داری یا گاوداری صنعتی. آیا در این صورت تکامل، خوب و بد و ارزش‌های اخلاقی مثل صبر، استقامت، کار و کوشش و ایثار و بخشش معنا خواهد داشت؟ نظام احسن همین است که هست. در این عالم سختی‌ها، دشواری‌ها، ظلم‌ها و هوا هوس‌ها حاکم است؛ کمال آدمی به این است که از میان این درد آتش با صبر، استقامت، بصیرت و مجاهده عبور کند و خود را به سرچشمه سعادت برساند.

عالم میدان مسابقه برای رسیدن به کمال است. کسی که از وضع موجود راضی نیست باید در این مسابقه سریع‌تر بدود تا گوی سبقت را از دیگران برپاید و این همان چیزی است که خداوند به آن دستور می‌دهد: «سابقوا فی الخیرات»؛ در میدان مسابقه برای خوبی‌ها و نیکی‌ها بکوشید از یکدیگر سبقت بگیرید». به‌راستی که نظام احسن همین است و بهتر از این نمی‌توان تصویر کرد.

پیرما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد
به‌راستی جهان زیبا و طبیعت دل‌ریاست، این ما انسان‌های تربیت نشده هستیم که با رفتارهای نادرستمان جهان زیبا را زشت می‌کنیم. پس به‌جای این‌که به خلقت اعتراض کنیم و طبیعت و خالق طبیعت را منتهم کنیم، بیابیم آن‌گونه که خالق ما برای ما طراحی کرده خود را تربیت کنیم. جهان چون خدا و خال و جشم ابروست

• پرسش ۳

بله، با این توضیحات معلوم می‌شود، بحث مشورت خدا با ما در خلقت قابل طرح نیست؛ اما روح همان پرسش قبلی را به صورت دیگری می‌توان مطرح کرد که خداوند

فلسفه آفرینش شرور و ناگواری‌ها

گفت‌وگو با دکتر محمد فناپی اشکوری

در دوران ما آمریکا و رژیم صهیونیستی منشأ بیشترین جنایات، قتل‌ها و ویرانی‌ها و نسل‌کشی‌ها هستند. آل سعود با پشتیبانی آمریکا و انگلیس و با سلاح‌های آن‌ها هر روز ده‌ها کودک یمنی را به خاک و خون می‌کشد و خانه‌ها را بر سر ساکنانش ویران می‌کند؛ این جنایاتش مورد تشویق و تأیید آمریکا و انگلیس واقع می‌شود. بیابیم از این فاجعه‌ها متأثر شویم و برای پیشگیری از آن‌ها کاری نکنیم، نه از مردن سوسک‌ها و پشه‌ها. این کارها با اختیار انسان‌ها صورت می‌گیرد و قابل اجتناب است و خدا هم بشر را از آن‌ها منع کرده است. بیابیم کمپینی جهانی بر ضد ظلم و تجاوز و اشغال و لشکرکشی راه بیندازیم و از جنایات بزرگ جهانی تا ظلم‌های محدود فردی ممانعت و پیشگیری کنیم.

• پرسش ۲

ما برای ادامه حیات‌مان ناچاریم موجوداتی دیگری را از بین ببریم، مانند حشرات موزی؛ مثل پشه، موش و مار، یا گوشت بسیاری از حیوانات را بخوریم؛ حتی گاهی مجبور می‌شویم انسان‌هایی را بکشیم. آیا این امور با نظام احسن بودن عالم می‌سازد؟ چرا باید خدا جهانی بیافریند که در آن این منازعات باشد و موجوداتی قربانی موجودات دیگر شوند؟ آیا این امر با عدالت و حکمت الهی می‌سازد؟ حوادث و ناگواری‌های دنیا و شروری که انسان با آن‌ها درگیر است هم با حکمت و عدالت سازگار نیست. با این وصف چگونه می‌توان ادعا کرد این عالم با این نارسی‌ها یا مخلوق خدایی حکیم، عادل، مهربان و عالم است و نظام علم بهترین نظام یا نظام احسن است؟

پاسخ

خداوند عالم طبیعت را آفریده و طبیعت برای خود قوانینی دارد. علوم در پی کشف قوانین طبیعت هستند. اگر اشکال این است که چرا خداوند طبیعت را آفریده است، پاسخ این بوده که اگر طبیعت آفریده نمی‌شد ما انسان‌ها هم وجود نداشتیم و از موهبت هستی محروم بودیم. طبیعت زیبایی‌های بسیاری دارد که حیف بود اگر آفریده نمی‌شد. اگر اشکال این است که چرا طبیعت به این صورت آفریده شده که در آن رنج و ظلم هست، پاسخ این است که این مقتضای قانون‌مندی طبیعت است. طبیعت با این عناصر و ویژگی‌ها محل رشد موجودات گوناگون خواهد بود که بین‌شان تنازع هم رخ می‌دهد. آتش همان‌طور که ما را گرم می‌کند و غذای ما را می‌پزد، گاهی موجب آتش‌سوزی‌های زیان‌بار هم می‌شود. آب که مایه حیات است گاهی باعث سبیل هم می‌شود و انسان‌هایی را غرق می‌کند. این‌ها خواص ذاتی هستند. اگر انتظار داشته باشیم که مثلاً وقتی می‌خواهیم غذا بپزیم، آتش زیبایی‌های بسیاری دارد که حیف بود اگر آفریده نمی‌شد. اگر اشکال این است که چرا طبیعت به این صورت آفریده شده که در آن رنج و ظلم هست، پاسخ این است که این مقتضای قانون‌مندی طبیعت است. طبیعت با این عناصر و ویژگی‌ها محل رشد موجودات گوناگون خواهد بود که بین‌شان تنازع هم رخ می‌دهد. آتش همان‌طور که ما را گرم می‌کند و غذای ما را می‌پزد، گاهی موجب آتش‌سوزی‌های زیان‌بار هم می‌شود. آب که مایه حیات است گاهی باعث سبیل هم می‌شود و انسان‌هایی را غرق می‌کند. این‌ها خواص ذاتی هستند. اگر انتظار داشته باشیم که مثلاً وقتی می‌خواهیم غذا بپزیم، آتش زیبایی‌های بسیاری دارد که حیف بود اگر آفریده نمی‌شد. اگر اشکال این است که چرا طبیعت به این صورت آفریده شده که در آن رنج و ظلم هست، پاسخ این است که این مقتضای قانون‌مندی طبیعت است. خداوند بنا ندارد طبیعت را با معجزه بچرخاند؛ «ابی الله ای جعری الامور الا باسبابها؛ طبیعت با قوانینش می‌چرخد». اگر این قوانین ضروری و لاینخلف نبود و طبیعت با هرج و مرج یا با معجزه هم چرخید علم تجربی ممکن نبود؛ چراکه علم کشف قوانین و ارتباطات ضروری طبیعت است. بنابراین این‌که طبیعت باشد، اما این منازعات و شرور نباشد؛ سخنی ضد علمی است. هنگامی که علم نباشد پیش‌بینی و پیش‌رفت هم نخواهد بود و انسان در حد سایر حیوانات متوقف خواهد شد. تولد کودکان معلول و ناقص‌الخلقه هم براساس همین قوانین طبیعت است. عوامل مختلف طبیعی مثل تغذیه، وراثت، محیط و حوادث در زندگی انسان اثر می‌گذارند و موجب کمبودها، تلخی‌ها و رنج‌هایی می‌شوند. اگر قوانین طبیعت جاری باشد این امور رخ می‌دهد؛ اما درباره موجوداتی که به‌دست انسان کشته می‌شوند، آن‌هم بر همین اساس است. پیدایش آن‌ها لازمه قانون طبیعت بوده و اجتناب‌ناپذیر است.

با طبیعت نمی‌توان براساس عواطف برخورد کرد. بله، پلنگ، آهورا می‌خورد و ما از دیدن این‌گونه صحنه‌ها متأثر می‌شویم. اما این قانون عالم است و در نظام کلی عالم شر نیست. لازمه دخالت مستقیم خدا در حوادث نفی قوانین علی و معلولی طبیعت است. یا خدا نباید عالم قانون‌مندی را بیافریند و یا اگر آفرید این امور در آن رخ می‌دهد. پس باید دید آیا در نگاه کلی، آفرینش طبیعت قانون‌مند ترجیح دارد یا نیافریدنش؛ مسلم است که انسان با دانش محدودش نمی‌تواند چنین محاسبه‌ای کند و نتیجه‌ای بگیرد. اما خدا که خالق عالم است می‌داند رجحان با چیست و براساس علم خود می‌کند. این‌که افرادی این حقیقت را می‌فهمند یا نمی‌فهمند اهمیتی ندارد. اما اگر به وجود خدا و علم و حکمت و خیرخواهی او ایمان داشته باشیم، درک این مطلب آسان خواهد بود.

بیابیم به‌جای دل‌سوزی برای سوسک و پشه و موش، برای انسان‌های مظلومی مثل بسوزانیم که هر روز قربانی ستم، تجاوز، شکنجه و بی‌عدالتی هستند. ما نمی‌توانیم قوانین طبیعت را برداریم و درست هم نیست چنین کنیم؛ اما می‌توانیم از ظلمی که بشر مدعی عقل و علم و تمدن می‌کند، پیشگیری کنیم. بیشترین رنج بشر ناشی از رفتارهای اختیاری انسان‌ها است.



• پرسش ۱

چرا خدا ما را آفرید؟ ما از این‌که خدا ما را آفریده به خدا معترض هستیم. خدا چرا با ما مشورت نکرد؟ او بدون رضایت ما، ما را آفرید. چه حقی داشت چنین کند؟ اگر با ما مشورت می‌کرد ما راضی به آفرینش نبودیم. حالا هم که ما را آفریده به ما اجازه پایان دادن به زندگی را نمی‌دهد و برای خودکشی ما را مجازات می‌کند. مگر نباید اختیار ما دست خداوند باشد؟ این همه تحمیل و سلب آزادی چگونه با خدای حکیم و عادل و خیرخواه می‌سازد؟

پاسخ

به نظر شما چه زمانی باید خدا درباره آفرینش ما، با ما مشورت می‌کرد؟ پیش از خلقت، یا پس از خلقت ما، یا حالت سومی ممکن است؟ روشن است که حالت سومی ممکن نیست. پس باید یا پیش از خلقت و یا پس از خلقت ما، با ما مشورت می‌کرد. اما روشن است که مشورت در هر دو حالت غیر ممکن است. پیش از خلقت، ما نبودیم تا با ما مشورت کند. مگر با معدوم می‌توان مشورت کرد؟ پس از آفریدن هم مشورت درباره آفریدن غیر ممکن و بی‌معنا است، چون شما را آفریده و کار تمام شده است.

ممکن است بگویید، حالا که ما هستیم و به ادامه حیات‌مان راضی نیستیم خدا ما را نابود کند. پاسخ این است که اولاً هیچ انسان عاقلی به نابودی خود راضی نیست و تمام مردم شب و روز برای ادامه حیات و حفظ حیاتشان می‌دوند و با عوامل مزاحم حیات مبارزه می‌کنند.

اگر کسی به شما حمله‌ور شود، شما از خود با تمام وجود دفاع می‌کنید و از خطرها فرار می‌کنید. پس معلوم می‌شود، راضی نیستید حیاتتان پایان یابد. افرادی که خودکشی می‌کنند به تصدیق همه روان‌شناسان در شرایط عادی سلامت روحی و روانی نیستند؛ بیماراند و آن‌ها که پس از اقدام به خودکشی موفق نمی‌شوند و زنده می‌مانند از کار خود پشیمان می‌شوند و خود را تخطئه می‌کنند. در نهایت، افرادی که راضی به خودکشی می‌شوند، بسیار اندک‌اند و قاطبه انسان‌ها هرگز چنین نمی‌کنند.

به علاوه خداوند مانع خودکشی نیست. اگر کسی بخواهد خودکشی کند، خدا جلویش را نمی‌گیرد و منع تکوینی ندارد؛ منع تشریعی دارد. یعنی خداوند گفته خودکشی به زبان شماست و با خودکشی چیز به‌دست نمی‌آورد، بلکه آن‌چه را که دارید از دست می‌دهید. خودکشی مانند هر عملی عواقب و پیامدهایی دارد. چطور اگر کسی خود را نابینا کند، تا آخر عمر از نعمت بینایی محروم می‌شود؟ خودکشی هم پیامدهای زیان‌بار دارد و خدای مهربان که بندگان را دوست دارد آن‌ها را از افتادن در چنین چاهی برحذر داشته است. گذشته از همه این‌ها، مگر خداوند که به ما هستی بخشیده کار بدی کرده و جفایی در حق ما کرده که معترض باشیم؟ خدا با خلقت ما بزرگترین لطف را به ما کرده و بالاترین نعمت را که نعمت حیات است به ما بخشیده است. اگر کسی هدیه ارزشمنندی به ما بدهد ما در عوض به او اعتراض می‌کنیم یا از او تشکر می‌کنیم؟

هیچ هدیه‌ای در عالم هم‌چون هدیه وجود و حیات ارزشمند نیست. بنابراین ما از شکر چنین نعمتی عاجزیم. ممکن است بگویید این درست است. ولی رنج‌هایی که ما در دنیا می‌بریم یا عذابی که در آخرت به جهت گناهان متحمل می‌شویم، زندگی را در کام ما تلخ می‌کند و در نتیجه نبودن ما بهتر از بودن ما خواهد بود.

پاسخ این است که آن‌چه از طرف خدا به ما می‌رسد، شرنیست؛ بلکه سراسر خیر است. عذاب اخروی حاصل رفتارهای نادرست ماست. خداوند به ما عقل و اختیار داده و از طریق انبیا، هدایت کرده که بتوانیم به رستگاری و سعادت ابدی نایل شویم؛ اما اگر خودمان با دنباله‌روی از هوا و هوس، راه شقاوت و بدبختی را دنبال می‌کنیم باید خود را ملامت کنیم نه خدا را؛ همان‌طور که مجرمان و معتادان را ملامت می‌کنیم. اما رنج‌های ناخواسته‌ای که در دنیا متحمل می‌شویم هم در تحلیل نهایی و از نگاه توحیدی می‌توانند در سعادت ابدی ما، تاثیر مثبت داشته باشند. این قانون عالم است که گنج بی رنج به‌دست نمی‌آید. رنج هرچه نامطلوب است، اما اگر انسان بتواند رنجش را در مسیر رسیدن به گنج قرار دهد آن رنج نیز نعمت خواهد بود.

امام صادق
عَلِيٌّ

إِنَّمَا يَأْتُرُ بِالنَّبِيِّ وَبِئَنِيهِ عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَالِمٌ بِمَا يَأْتُرُ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَادِلٌ فِيمَا يَأْتُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَافِعِيٌّ بِمَا يَأْتُرُ رَافِعِيٌّ بِمَا يَنْهَى.

تنها کسی می‌تواند امربه معروف کند یا نهی‌ازمنکر نماید که دارای سه صفت باشد: به آنچه امر می‌کند و از آنچه نهی می‌نماید آگاه باشد، عادلانه امر کند و نهی نماید، با مهربانی و نرمی امر و نهی کند.

تصفاهقول،ص۳۵۸

- اوضاع سیاسی عصر امام صادق** عَلِيٌّ

ایام شهادت رئیس مذهب تشیع امام صادق عَلِيٌّ را به‌محضر امام زمان عَلِيٌّ و تمامی پیروان مکتب اهل بیت و کل مسلمین تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم در دنیا و آخرت دستمان از دامان این بزرگوار کوتاه نیابند.

امام جعفر صادق عَلِيٌّ با توجه به سن شریفشان که عمر شریفشان از همه انمه بیشتر بود، و با توجه به اینکه با حاکمان زیادی از بنی‌امیه و بنی‌عباس معاصر بودند و با توجه به فراز و نشیب‌هایی که در این دوران مواجه بودند، حضرت باسیاست خاصی که به کار گرفته بودند توانستند تشیع را حفظ و از محدودیت خارج کنند، بلکه در راستای گسترش مکتب و نشر مذهب گام‌های بلندی برداشتند، به‌گونه‌ای که امروز اکثر احادیث و روایات و در یک کلمه فرهنگ تشیع از امام صادق عَلِيٌّ و پدر بزرگوارشان امام محمدباقر عَلِيٌّ به ما رسیده است.

- امام صادق** عَلِيٌّ و مقابله با جریان‌های فرهنگی و سیاسی‌انحرافی

الف)اهتمام به کار فرهنگی و فرهنگ‌سازی

باید دید حضرت چه سیاستی و روشی را به کار گرفته بودند تا نقطه‌ضعفی به دست دشمنان ندهند تا سبب سخت‌گیری و محدود کردن امام نشود. حضرت بعد از پدر بزرگوارشان به مدت سی‌وپه‌چار سال هدایت جهان تشیع را برعهده داشتند و دراین دوران شاهد حکومت افرادی چون ابراهیم بن ولید، مروان حمار، یعنی اواخر حکومت امویین و بعد هم که جریان سپاه‌جامگان پیش آمد و ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۲ تلاش می‌کرد امام را همراه خودش قرار بدهد و برای امام نامه می‌نوشت و آقا جواب او را نمی‌داد و گویا حتی برخی از نزدیکان امام ناراحت می‌شدند که چرا امام با نمایندگان ابومسلم این‌گونه برخورد می‌کند و حضرت برایشان حقیقت قیام ابومسلم را بیان می‌کردند؛ بالاخره حکومت از امویین گرفته شد و ابتدا ابوالعباس سفاح پیش از چهار سال و بعد از او جعفر زویک به بیست‌ودو سال حکومت کردند. در این دوران حضرت بدون اینکه دشمن را حساس کنند، کاری کردند که دوران شگوفایی تشیع و اقتدار علمی تشیع بازربیت شاگردان در رشته‌های مختلف شکل گرفت.

حضرت احساس می‌کردند که دوران ایشان دوران رویارویی مسلحانه با دشمن نیست و لاف‌ل خودشان چنین تکلیفی ندارند و چنین وظیفه‌ای احساس نمی‌کنند بلکه دوران مطرح کردن فکر و اندیشه و دوران تبلیغات و نشر اسلام حق است، آن اسلامی که بیش از صدسال زیر پای ظالمان اموی له‌شده بود اسلامی که به دست عباسیان مطرح‌شده که دست‌کمی از امویین نداشتند امام احساس می‌کردند که این دوران، دوران تشنگی امت اسلامی است و دوران شکست نیاز مردم به اسلام واقعی است و لذا حضرت در این راه قدم برداشتند و کاری کردند که مطابق برخی روایات از شرق و غرب عالم به‌طرف حضرت می‌آمدند.

جمله ابوجعفر منصور به ابوحنیفه معروف است که خطاب به او گفت:«ان الناس قد فتنوا بجعفر بن محمد» مردم شیفته امام جعفر صادق عَلِيٌّ شدند، و باید فکری کرد و این اهبت را شکست نیاز مردم به اسلام واقعی است و لذا حضرت در این راه قدم برداشتند و کاری کردند که مطابق برخی روایات از شرق و غرب عالم به‌طرف حضرت می‌آمدند.

جمله ابوجعفر منصور به ابوحنیفه معروف است که

خطاب به او گفت:«ان الناس قد فتنوا بجعفر بن محمد» مردم شیفته امام جعفر صادق عَلِيٌّ شدند، و باید فکری کرد و این اهبت را شکست نیاز مردم به اسلام واقعی است

کرد و جهت سؤال آماده کردن و ابوحنیفه در جمع مطرح کرد و امام همه را جواب داد و ابوحنیفه اقرار کرد که «ما رأیت افقه من جعفر بن محمد».

جالب این است که امام به کسانی که می‌خواستند در آن برهه از زمان دست به سلاح بیزند روی خوش نشان نمی‌دادند؛ مخصوصاً عبدالله بن الحسن، به حضرت اصرار داشتند که ورود پیدا کنند و حضرت به‌شدت آن‌ها را نهی کرد و وارد نشد و شاید صلاح هم نبود و حکومت اطمینان کسب کرده بود که حضرت بنا برحکرت نظامی ندارد و بنا بر کار فرهنگی دارد و حضرت در کار فرهنگی‌شان کاملاً موفق بودند و افرادی را در رشته‌های مختلف تربیت کردند.

ب) تربیت شاگرد در علوم مختلف

آقای ابن خلکان وقتی شرح‌حال امام صادق عَلِيٌّ را می‌آورد، می‌گوید: ایشان در رشته شیمی شاگردی مانند جابر بن حیان تربیت کردند که پانصد رساله و کتاب در علم شیمی از زبان امام جعفر صادق عَلِيٌّ فراگرفت.^۳ در رشته تفسیر در رشته فقه، در رشته مناظرات، در رشته جذب افراد حضرت شاگردان مبرزی را تربیت کردند شما می‌بینید افرادی مانند مفصل بن عمر با اشاره امام صادق عَلِيٌّ چه سیاستی را در کوفه اعمال کردند حتی کسانی بودند که شاید به دین زیاد پایبند نبودند ولی حضرت ایشان را جذب می‌کردند تا جذب حکومت نشوند و از طرف حکومت به آن‌ها سلاح داده نشود تا علیه شیعه اقدام کنند.

در رشته‌های علم کلام و فقه و مناظرات افرادی از شام می‌آمدند تا با حضرت بحث کنند حضرت مقداری با او بحث می‌کردند بعد می‌فرمودند: با شاگردانم بحث کن اگر او را محکوم کردی من را محکوم کرده‌ای، یعنی ایشان نسلی را ساخته بودند که توانسته بودند مذهب را گسترش بدهند.

ج) پرهیز از تندروی شیعیان و اهتمام به حفظ اصول
امام جعفر صادق عَلِيٌّ روی نکاتی دست گذاشته بودند اولاً شیعیان را از برخورد و رویارویی با حکومت بر حذر می‌داشتند و می‌فرمودند: به کار تبلیغاتی بپردازید و دوم اینکه مردم را از تندروی بر حذر می‌داشتند، خودشان باسیاست خاصی حرکت می‌کردند، با حفظ اعتقادات و خطوط قرمز حتی یک‌قدم عقب‌نشینی نکرده و با حفظ



امام صادق عَلِيٌّ و مسئله احیای شعائر دینی

گفت‌وگو باحجت‌الاسلام‌والمسلمین نجم‌الدین طبری

اصول و ضوابط حرکت می‌کردند.

ایشان هرگز اجازه نمی‌دادند که شیعیان تندروی کنند و از تندروی برخی از پیروانشان ناراحت می‌شدند و با این افراد برخورد می‌کردند مثلاً با غلات و انسان‌های

تندرو و باکسانی که افراط‌وتفریط می‌کردند به‌شدت برخورد می‌کردند در کافی شریف آمده است که امام صادق به افرادی که در مسجد برخی سخنان را می‌گفتند فرمودند:«حَلَقَ فِي الْمَسْجِدِ يَشْهَرُونَ وَيَشْهَرُونَ الْفُسْهَمُ، أَوْلَيْكَ لَيْسُوا مِيًا، وَلَا تَحْنُ مِثْمُ، أَتَقْلَقُ فَأَوْرِي وَ أَشْتُرُ، فَيَهْتَكُونَ سِثْرِي، هَتَكَ اللَّهُ شُرُوكَهُمْ يَقُولُونَ: إِمَامٌ، أَمَا وَاللَّهِ مَا أَنَا بِإِمَامٍ إِلَّا لِمَنْ أَطَاعَنِي، فَأَمَّا مَنْ عَصَانِي فَلَيْسَتْ لَهُ بِإِمَامٍ، لِمَ يَتَعَلَّقُونَ بِأَشْيِي؟ أَلَيْكُمُونَ أَسْمِي مِنْ أَقْوَاهِمُ؟ قَوْلَاهُ لَا يَجْمَعُنِي اللَّهُ وَإِيَّاهُمْ فِي دَارٍ» ع‌ده‌ای به مسجد می‌روند و ما را و خودشان را انگشت‌زنانا می‌کنند آن‌ها از ما نیستند و ما هم از آن‌ها نیستند من روش مدارات را به کار می‌گیرم من با

آن‌ها مدارا می‌کنم و ستر می‌کنم و می‌پوشانم آن‌ها پرده‌دوری می‌کنند خدا پرده‌های ستر آن‌ها را بدر آن‌ها می‌گویند من امام ایشان هستم و خودشان را پیرو من می‌دانند و الله من امام آن‌ها نیستم من امام کسانی هستم که از من اطاعت کنند اما کسانی که از من اطاعت کنند من امام آن‌ها نیستم چرا اسم من را یک می‌داندند و اسم من سوءاستفاده می‌کنند به این کار خود خاتمه بدهند و نام من را نبرزند از خدا می‌خواهم که من و آن‌ها در قیامت یکجا نباشیم و من

با آن‌ها نباشم؛ لذا روش امام روش مدارات بود، زمانی زنی که ظاهر اُم خالد بود و راجع به شخصیت‌های اهل سنت سؤال کرد و امام از روی تقیه به ایشان مطلبی را گفتند، ایشان گفت این آقایی که نزد شماست به من می‌گوید از آن‌ها بیزار ی بجوی، امام فرمودند: بیزاری بجوی، فرمودند از ایشان تبعیت کن و با تکتیک خاصی هم‌نظر خودشان را بیان می‌کنند که اقرار به جهل نشود و دست‌آویزی برای دیگران نباشد و بعد که آن جمع بیرون رفتند امام فرمود این‌ها می‌خواهند من چیزی را بگویم که فوراً نزن همه اعلام کنند که امام صادق چنین سخنی را گفت^۵ سیاست ایشان سیاست مدارا بود و ضمن اینکه یک‌قدم از اصول و مبانی و اعتقادات و مبانی عقب‌نیشینی نکردند و همان اصول و مبانی را ترویج می‌کردند اما با تاکتیک و روش مخصوص خودشان. حضرت از افراط‌وتفریط جلوگیری می‌کردند، در برابر غلات می‌ایستادند و در برابر کسانی که تندروی می‌کردند می‌ایستاد.

مرحوم کلینی جریانی را نقل می‌کنند که جریان خیلی مهمی است: مردی بنام سراج که خادم حضرت صادق عَلِيٌّ بود می‌گفت: امام صادق برای کاری مرا فرستاد و امام با گروهی از یاران خود در این وقت در حیره بودند، گوید: ما دنبال آن کار رفتیم و بعد درحالی که هوا بسیار گرم بود و ما هم گرسنه بودیم برگشتیم.

من درجایی که بسترم در آنجا قرار داشت رفتم و خود را باهمان ناراحتی روی رخت خواب خود افکندم، در این هنگام ناگهان حضرت صادق عَلِيٌّ به‌طرف ما آمد و گفت می‌خواهم در نزد شما بنشینم، من از جای خود برخاستم و امام هم در کنار بسترم قرار گرفت و درباره کاری که مرا برای آن فرستاده بود سؤال کردند.

امام خامنه‌ای

امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های مختلفی دارد. مهم‌ترین حوزه نیز مسئولین هستند. مردم باید از مسئولین، کار خوب را بخواهند آن هم نتمنا بلکه باید از آن‌ها بخواهند. آن موقعی که همه کار داشته باشند به کارهای جامعه، همه معروف شناس و منکرشناس باشند. این به معنی نظارت و همکاری عمومی است. امر به معروف به این معناست.

وزندگی، گروه‌ها و تفکرات گوناگونی وجود دارند و اگر می‌خواهید تبلیغ و ترویج کنید، باید جاذبه شما از دافعه بیشتر باشد و به حد افراط‌وتفریط نرسد.

- مسئله‌احیاءشعائر و امر به‌معروف و نهی‌از منکر**

نکته دیگر اینکه امام عَلِيٌّ خیلی مراعات می‌کردند مسئله احیاء شعائر و امربه‌معروف و نهی از منکر بود؛ به هیچ قیمتی برس‌احیاء امربه‌معروف و ابطال منکر معامله نمی‌کردند، مرحوم کلینی در کافی این قصه را از هازون بن جهم نقل می‌کند که در حیره با امام صادق عَلِيٌّ بودم در ایامی که منصور دوانیقی به آنجا آمده بود، یکی از سردارانش بچه خود را ختنه‌کرده و سوری ترتیب داده و مردم را دعوت کرده بود. امام صادق عَلِيٌّ نیز جزء دعوت‌شدگان بود. درآشای غذا خوردن یکی از حاضران آب خواست، پیماله‌ای آوردند که محتوای آن شراب بود وقتی پیماله را به دست آن مرد دادند، حضرت صادق عَلِيٌّ از سرسفره بلند شد، وقتی پرسیدند چرا از سرسفره برخاستی؟ فرمود: رسول خدا صَلَّى فرمود: ملعون است هر کس سرسفره‌ای بنشیند که سر آن سفره شراب می‌خورند.^۶ لذا می‌بینید که حضرت هیچ‌گونه تعارفی در این قضیه نداشتند و تا منکر را دیدند با آن مقابله کردند.

و نسبت به معروف هم همین‌طور بودند و باکسی معامله نمی‌کردند مفضل بن عمر که از اصحاب باوفا و دوستان حضرت است می‌گوید: در آن هنگام که امام صادق عَلِيٌّ برای دیدار با ابوالعباس [سفاح نخستین خلیفه عباسی] به کوفه آمد من نیز در خدمت آن حضرت بودم، پس چون به محله کناسه رسیدیم امام فرمود: همین‌جا بود که عمویم زید رحمه الله را به دار آویختند و همچنان برفت تا به طاق زیت فروشان که آخر بازار سزاجها بود رسید، پس در آنجا پیاده شد و فرمود: پیاده شو، این همان مکان نخستین مسجد کوفه است که آدم عَلِيٌّ طرح آن را ریخت من خوش نمی‌دانم سواره در آن وارد آم؛ سپس تاریخ مسجد و قضایا را بیان کردند بعد دیدیم که حرف آقا قطع شد و برای نماز آماده شدند و دیگر صحبتی نکردند نماز ظهر را خواندند و تعقیبات نماز را انجام دادند و نماز عصر را خواندند و بعد دوباره شروع به صحبت کردند^۷، امام به ما معروف اشاره کردند اول احترام به مسجد و دوم نماز اول وقت، سخنران هرکسی که می‌خواهد باشد، نشست و سمنار از هرکسی می‌خواهد باشد دیگر از امام جعفر صادق که صحبت‌هایش بالاتری‌نیست، وقت اذان که شد حضرت سخن را قطع کردند یعنی ای مسؤولین، ای مسلمان‌ها، هر کس در هر تریه و مقام که هستید این معروف را به یادارید مسئله نماز را به یادارید.

- تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین و اهل بیت**

نکته دیگر که می‌خواهم عرض کنم تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین و اهل‌بیت است، همین روایتی که سال‌ها مورد هجوم و تاخت‌وتاز شجره ملعونه قرارگرفته بود، امیرالمؤمنین را به امر امویین بر منابر لعن می‌کردند و عباسیان هم دست‌کمی از آن‌ها نداشتند، امام در سایه سیاستی که عرض کردم، یعنی سیاست متعادل و حساب‌شده توانستند معروف واقعی را که همان ولایت امیرالمؤمنین باشد دوباره باقدرت مطرح کنند ابوحنیفه خدمت امام می‌آید و سؤالاتی را مطرح می‌کند ابوحنیفه شخصی بود که با حکومت مرتبط بود و قطعاً صحبت‌های امام را منتقل می‌کرد و سؤال کرد معروف چیست؟ امام فرمودند: آن معروفی که در آسمان‌ها معروف است و در زمین معروف است امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ است، بعد می‌پرسد منکر چیست؟ فرمود منکر کفری بودند که به امیرالمؤمنین اسلام دعوت کرد و به‌اندازه‌ای از مزایا و زیبایی‌های اسلام برای او تعریف کرد که او هم قبول کرد و مسلمان شد و دریکی از سرحراها قبل از نماز صبح آمد و در خانه‌اش رازد. مرد تازه‌مسلمان گفت: کیست که در این هنگام در می‌زند، گفت من فلان کس هستم، گفت چه می‌خواهی گفت وضو بگیر و لباس خود را در بر کن تا باهم به مسجد برویم، او هم وضو گرفت و جامه‌های خود را عوض کرد و باهم به مسجد رفتند.

آن‌ها به مسجد رفتند و به نماز مشغول شدند، بعد از طلوع فجر نماز صبح خواندند و در مسجد مشغول ذکر و دعا شدند تا آفتاب طلوع کرد، مرد نصرانی برخاست تا به منزل خود برود، آن مرد گفت کجا می‌روی روزگوتاه است.

اکنون ظهر فرامی‌رسد او هم‌نشست تا ظهر شد و آن‌ها نماز ظهر گذاشتند، بعدازآن گفت بین ظهر و عصر فاصله زیادی نیست، صبر کنید نماز عصر را هم ادا کنیم، او را در مسجد نگه داشت تا نماز عصر را هم خواندند، آن مرد برخاست که

صادق عَلِيٌّ در دوران امامتشان و به اقتضای ظرف و موقعیت زمانی اشان در راستای اعتلای نام امیرالمؤمنین و در راستای احیاء شعائر اسلامی مجاهدات‌ها کردند که من به دو مورد آن‌ها اشاره می‌کنم:

الف– اعلان مکان قبرشریف امیرالمؤمنین عَلِيٌّ-حضرت مکان قبرشریف امیرالمؤمنین عَلِيٌّ را اعلان کردند و زیارت کردند و برای تعمیر آن پول دادند و به مردم تأکید کردند که به زیارت امیرالمؤمنین بروید وقتی هم از ایشان سؤال می‌شد که چه شد که ائمه قبلی نرفته‌بودند حضرت فرمود چراکه بنی المروان و خوارج بودند و ترس از این بود که به قبر جسارت کنند.

- چگونگی آشکار شدن موضع نورانی امیر المومنین** عَلِيٌّ

صفوان جمال شترنابی بود که همراه حضرت بود می‌گوید همین‌طور که می‌رفتیم یک‌مرتبه امام فرمود از جاده

افجوزة

- سال هجدهم
- شماره ۶۲۷
- دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۹
- صفحه ۲۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly

- صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
- مدیر مسئول: سیدمفید حسینی‌کوهساری
- مدیر رسانه و اطلاع‌رسانی حوزه‌های علمیه: محمدضارپرته
- سر‌دبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیئت تحریریه
- تلفن: ۰۵۳۸-۳۲۹۰۰۵۳۸ • شماره: ۰۳۲۹-۱۵۳۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
- نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵
- پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
- پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
- امور هنری: سید امیر سجادی
- کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: گلریز ۴۴۲۷۹۵۴۴۲



منحرف شو تا به سرزمین غربیی رسیدیم دیدم حضرت کنار قبری ایستاد و همین‌طور از حضرت آدم شروع کرد به سلام دادن و به یکایک انبیاء سلام داد تا به پیامبر اکرم رسید و بعد حضرت خودشان را روی قبر انداختند و سلام دادند و بلندبلند گریه کردند، بعد چند رکعت نماز خواندند به حضرت گفتم این قبر کیست؟ فرمودند: قبر جدم من امیرالمؤمنین است.

علی صفوان در روایت دیگری می‌گوید وقتی حضرت به آن قبر رسید دست برد و مشتیی از خاک آن قبر برداشت و بوید و «ثُمَّ شَهَقَ شَهَقَةً حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ فَارَقَ الدُّنْيَا» اهی کشید و فریادی زد و بی‌هوش روی زمین افتاد به‌گونه‌ای که احساس کردم حضرت از دنیا رفته‌بعد که به هوش آمدند و فرمودند: این قبرشریف جدم است گفتم آقا چرا ابرار یعنی ائمه قبل اعلان نکرده‌اند؟ فرمودند: «حَدَّرَا مِنْ بَنِي مُزَازٍ وَ السَّوَارِجِ أَنْ تَخْتَالِي فِي آذَانِهِ» خوف این بود که به قبرشریف جسارت شود.

ب– احیای کربلا و عاشورای امام حسین عَلِيٌّ بود و حضرت پشت سر این قضیه بودند و با کمک‌های مالی و سخنرانی و زیارت کربلا قضیه امام حسین عَلِيٌّ را احیای می‌کردند حضرت از روز اول محرم به هم می‌ریختند و دیگرکسی علامت شادی را در چهره ایشان نمی‌دید تا روز دهم که می‌شد بلندبلند گریه می‌کردند و می‌فرمودند: امروز روزی است که حسین عَلِيٌّ را به شهادت رساندند.

مرحوم مجلسی در بیست‌وپنچ مقاله آورده‌اند حضرت شخصاً به کربلا آمدند و هنگامی‌که حضرت به آب فرات رسیدند، با لحن جان‌سوز به آب فرات گفتند تو هنوز جاری هستی؟ تو را به روی جدم بسندند و تو هنوز جاری هستی؟ یعنی حضرت در کربلا روضه خواندند و شخصاً به زیارت امام حسین عَلِيٌّ آمدند و به شیعیان تعلیم دادند که در روز عاشورا در قنوت این جملات را بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّ أُمَّةً خَالَقَتْ الْأُمَّةَ وَ كَتَبُوا بِالْكَتْمَةِ وَ أَقَامُوا عَلَى الصَّلَاةِ وَ الْكُفْرِ وَ الزَّوَى وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَتَى»^{۱۱} که دعای عجیبی است که امام قاتلان امام حسین عَلِيٌّ را نفرین می‌کند و می‌فرماید: خدایا زمین زیر پایشان بلرزد خدایا شهرهایشان را ویران کن خدایا اسلحه‌ها را از کار بینداز و دست آن‌ها را زایل کن خدایا در میانشان اختلاف بینداز خدایا توطئه‌هایشان را بی‌تأثیر قرار بده خدایا با سلاح‌ت به گردن این‌ها برن خدایا گرفتاری‌ها از سر و رویشان ببارد خدایا این‌ها را گرفتار قطعی و گرانی کن، این آموزه‌ای است که امام به شیعیان آموزش می‌دهد که در روز عاشورا این‌طور دعا کنید اگر خواسته باشید زندگی حضرت را مرور کنیم با چند جلسه ممکن نیست زندگانی امام دریایی است که اگر تعبیر بنده درست باشد توانسته‌ام قطره‌ای از دریای معرفت امام را بفهمیم و عرضه کنیم و مسئله احیای شعائر در زندگی حضرت می‌درخشد و ما مخصوصاً کسانی که در پست‌ها مسؤولیت دارند وظیفه‌داریم به پیروی از امام جعفر صادق عَلِيٌّ در راستای احیای امربه‌معروف و در راستای احیای شعائر اسلامی از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم و بر سر این‌ها باکسی معامله نکنیم که هستی نظام ما بستگی به همین‌ها دارد اساس نظام ما بستگی به امیرالمؤمنین عَلِيٌّ و امام حسین عَلِيٌّ و ائمه ظاهر دارد می‌خواهم عرض کنم صدقاتی انت نظام ما و اصالت نظام ما درگرو ارتباط با این نکاتی است که امام صادق عَلِيٌّ روی آن تأکید کردند و دست گذاشتند و ما اگر می‌خواهیم که حتماً می‌خواهیم این امانت به احسن وجه حفظ بشود تا به امانت‌دار و صاحبش تحویل بدهیم باید به این نکاتی که امام عَلِيٌّ اشاره کرده‌اند پایبند باشیم و الحمد لله هستند.

گفت‌وگو:حمید کرمی

پی‌نوشت

- ↑ قال رشید الدین محدث بن علی بن شهر آشوب: «ذکرأبولقاسم النجفاری مستدأبی حنیفة، قال الحسن بن زید: سمعت أبا حنیفة وقد سئل من أئفه من رأیت؟ قال: جعفر بن محمد لما ألقاه المصنور بعث ألی فقال یا أبا حنیفة ان الناس قد فتنوا بجعفر بن محمد فهیء له من مسائلک الشدادة:..... المناقب ج ۴ ص ۲۵۵.
- ↑ تذکرة الحفاظ ج ۱ ص ۱۶۶.
- ↑ قال ابن خلکان: «وکان من سادات أهل البیت رلقب بالصادق لصدقه فی مقاله...: و البیاتی العیون ج ۱ ص ۲۹۱».
- ↑ الوایة ج ۲، ص ۲۲۵ ج ۱، الوائل، ج ۱۶، ص ۲۳۷ ج ۱، ص ۲۱۴.
- ↑ أَبَانَ عَنْ بَیِّصِرٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِذْ دَخَلَتْ عَلَيْنَا أُمَّ خَالِدِ الْأَبِي كَأَنَّ قَطْعَهَا يُوشِفُ نُبَّ عَمْرٍ نَسْتَأْذِنُ عَلَيْهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ:..... کافی (ط – اسلامیة) ج ۸، ص: ۱۱
- ↑ کافی (الطبعة القديمة)، ج ۲، ص: ۴۲.
- ↑ عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَازُونَ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ كُنَّا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَالْحَیْرَةَ حِينَ قَدِمَ عَلَیَّ بِيْجَفْرَ الْمَنْصُورِ..... کافی (الطبعة القديمة)، ج ۶، ص: ۲۴۸
- ↑ کافی (ط – دار الحديث)، ج ۱۵، ص: ۶۲۷
- ↑ لَمَّا قَدِمَ الصَّادِقُ عَلَ الْعِرَاقِ نَزَلَ الْحَبْرَةَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو حَنِيفَةَ وَ سَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ وَ بحار الأنوار (ط – بیروت)، ج ۱۳، ص: ۲۸
- ↑ قال أَبُو حَنِيفَةَ أَخْبَرَنِي جَوْهَرُ بْنُ فِدَاكٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ لَمْ يَسْتَسَلِّ بُيُوتِيْ عَنِ الْقَعِيمِ قَلًّا..... بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱، ص: ۲۰۹
- ↑ بحار الأنوار (ط – بیروت)، ج ۹، ص: ۳۳۵
- ↑ إرشاد القلوب إلى الصواب (للدلیمی)، ج ۲، ص: ۴۴۱
- ↑ إقبال الأعمال (ط – القديمة)، ج ۱، ص: ۵۶۹؛ بحار الأنوار (ط – بیروت)، ج ۹۸، ص: ۳۱۰